



چاپ دوم

جناح بندی سیاسی در ایران

۳۶۳

از دهه ۱۳۶۰ تا
دوم خرداد ۱۳۷۶

چهار جناح جمهوری اسلامی
(دهه های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰)

همراه مصاحبه با
دکتر محمدعلی همایون کاتوزیان

xalvat.com

دکتر سعید برزین



xalvat.com



جناح بندی سیاسی در ایران
از دهه ۱۳۶۰ تا دوم خرداد ۱۳۷۶
(همراه مصاحبه‌ای با دکتر محمدعلی همایون کاتوزیان)
دکتر سعید برزین
طرح جلد از ایراهیم حقیقی
چاپ اول آذر ۱۳۷۷، شماره نشر ۳۹۷
چاپ دوم بهمن ۱۳۷۷، چاپ سندی، ۳۰۰۰ نسخه
کلیه حقوق برای نشر مرکز محفوظ است
نشر مرکز، تهران، صندوق پستی ۱۴۱۵۵-۵۵۴۱
شابک: ۹۶۴-۳۰۵-۳۸۸-۱-۱ ISBN: 964-305-388-1



فهرست

xalvat.com

یادداشت ناشر..... نه

مقدمه نویسنده..... یازده

۱. ویژگیهای جناح‌بندی

اندیشه جناحی و اندیشه غیرجناحی..... ۲

تعریف جناح‌بندی..... ۴

۱. ویژگی داخلی..... ۷

۲. عامل خارجی..... ۸

۳. عدم شفافیت..... ۹

۴. سه حلقه تکاملی..... ۱۱

۵. ویژگی‌های سازمانی..... ۱۴

تأثیر جناح‌بندی در حوزه سیاسی..... ۱۶

اتلافهای متغیر..... ۱۹

۲. جناح‌بندی و حوزه اجتماعی

جناح‌بندی و نقش رهبران درجه اول سیاسی..... ۲۴

جناح‌بندی به عنوان پیش‌شرط سنت‌های دمکراتیک..... ۲۵

انتقال حقوق از حوزه سیاسی به حوزه اجتماعی..... ۲۷

شش جناح‌بندی سیاسی در ایران **xalvat.com**

شرایط دستیابی به تفاهم میان جناح‌ها	۲۹
مواضع فکری گروه‌های موافق و مخالف جناح‌بندی	۳۱
نقش سیاسی جناح	۳۲
جناح‌بندی و پیشرفت اقتصادی	۳۴
جناح‌بندی و مسئله توسعه اجتماعی	۳۶
نمونه جناح‌بندی در شرایط نسبتاً باز	۴۱
جناح‌بندی در شرایط نسبتاً بسته	۴۴

۲. چهار جناح جمهوری اسلامی (دهه‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰)

تاریخچه جناح‌ها	۴۸
۱. صف‌بندی اول یا شکل‌گیری جناح لیبرال	۴۸
۲. صف‌بندی دوم یا شکل‌گیری حزب‌الله	۴۹
۳. صف‌بندی سوم یا تحکیم حزب‌الله	۴۹
۴. صف‌بندی چهارم یا شکل‌گیری جناح میانه و راست	۵۰
۵. صف‌بندی پنجم یا تحکیم گرایش میانه	۵۱
۶. صف‌بندی ششم یا تحکیم جناح راست	۵۱
۷. صف‌بندی هفتم یا شکل‌گیری جناح چپ	۵۲
۸. صف‌بندی هشتم یا بازگشت جناح لیبرال به صحنه	۵۲
جناح حزب‌الله	۵۳
جناح میانه	۵۸
جناح راست	۶۳
جناح چپ	۶۷
آیت‌الله خمینی و موضوع جناح‌بندی	۷۱
جناح‌بندی و تحول سیاسی در انتخابات ریاست‌جمهوری (۱۳۷۲)	۷۳
جناح‌بندی و تحول سیاسی در هفتمین انتخابات ریاست‌جمهوری (۱۳۷۶)	۸۵



تاریخچه جناح‌ها

در اواسط دهه ۱۳۷۰ چهار جناح سیاسی در حاکمیت نظام جمهوری اسلامی حضور داشتند. می‌توان شکل‌گیری این گرایش‌ها را، تا انتخاب محمد خاتمی به عنوان هفتمین رئیس جمهوری در سال ۱۳۷۶، در هشت مرحله مطالعه کرد. لازم به تأکید است که این، مبانی این نظریه تا انتخاب محمد خاتمی است و به تحولات بعد از آن نظر ندارد:

xalvat.com

۱. صف‌بندی اول یا شکل‌گیری جناح لیبرال

اولین جناحی که در داخل جمهوری اسلامی شکل گرفت جناح مرسوم به لیبرال به رهبری دولت مهندس بازرگان بود. این جناح اولین دولت پس از انقلاب را تشکیل داد و ته ماه سرکار بود. جناح لیبرال پس از چند درگیری با نیروهای تندرو و انقلابی و به دنبال اشغال سفارت آمریکا در تهران استعفا و عقب‌نشینی کرد. جناح لیبرال سپس فعالیت خود را در مجلس و خارج از آن متمرکز کرد و تا اوایل دهه ۱۳۶۰ حضور علنی داشت. سپس، ربه دنبال حرکت مسلحانه سازمان مجاهدین خلق که عملاً به نوعی



۴۹ چهار جناح جمهوری اسلامی

جنگ داخلی مبدل شد و موجب بروز شرایط خاصی شد، جناح لیبرال به فعالیت نیمه رسمی و غیررسمی روی آورد. در اوائل دهه ۱۳۷۰ با بازتر شدن نسبی فضای سیاسی، توانست تا حدودی نمود مشخص تری به خود بگیرد. در انتخابات مجلس پنجم، که به اعتقاد برخی از تحلیلگران نسبتاً آزاد و در عین حال آرام برگزار شد، جناح لیبرال، به رهبری نهضت آزادی و تنی چند از فعالان سیاسی این محور امکان یافت تا حضور محدودی پیدا کند، اما در اعتراض به نبود جو مناسب از شرکت در انتخابات خودداری کرد. نهضت آزادی از آن پس به فعالیت غیررسمی خود ادامه داد.

۲. صف بندی دوم یا شکل گیری حزب الله xalvat.com

حزب الله یکی از قدیمی ترین گرایش های سیاسی در حاکمیت نظام است. این گرایش مشخصاً پس از پیروزی انقلاب ضد سلطنتی به وجود آمد. در آن هنگام مشخصه ای که آن را از دیگر گرایش های مذهبی در رهبری انقلاب تفکیک می کرد اعتقادش به این بود که باید «نهادهایی انقلابی در خارج از دستگاه دولت» به وجود آورد تا سلامت نظام جدید در برابر تهدید نظام درهم شکسته پهلوی (از جمله دستگاه مؤثر نظامی و بوروکراسی) حفظ شود. گرایش موسوم به لیبرال (که در دولت مهندس مهدی بازرگان پایه داشت) با این نظر مخالف بود و صرفاً اصلاح دستگاه های موجود دولتی را می خواست.

۳. صف بندی سوم یا تحکیم حزب الله

سومین صف بندی که گرایش تندرو را مشخص و تحکیم کرد درگیری با ائتلاف رئیس جمهور وقت ابراهیم حسن بنی صدر و سازمان مجاهدین خلق



۵۰ جناح‌بندی سیاسی در ایران

بود. عنوان «حزب‌الله» نخست در مورد گروه‌های مذهبی خیابانی، که با اعضای گروه‌های مخالف درگیر می‌شدند، به کار می‌رفت و جریان رسمی گرایش تندرو در حزب جمهوری اسلامی و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی بود. جناح حزب‌الله و جناح بنی‌صدر، مجاهدین خلق وارد برخورد مهلک و خونینی شدند که حرکت مسلحانه مجاهدین و دستگیری‌ها و مجازات‌های وسیع را در پی داشت و سرانجام به شکست جناح بنی‌صدر انجامید. پس از بصب‌گذاری در ساختمان مرکزی حزب جمهوری اسلامی، عنوان و اصطلاح «حزب‌الله» که تا آن موقع اصولاً در مورد گروه‌های خیابانی به کار گرفته می‌شد جنبه رسمی یافت و این گرایش در سطح کابینه تحکیم شد و دولت خود را یکا دولت حزب‌الله خواند.

xalvat.com

۴. صف‌بندی چهارم یا شکل‌گیری جناح میانه و راست

حدود سال ۱۳۶۳ شکاف‌هایی در سطح عالی رهبری، اول در قبال مسائل اقتصادی و سپس در قبال مسائل بین‌المللی پیش آمد. در این اختلاف‌نظرها، جناح حزب‌الله (به رهبری دولت میرحسین موسوی) برتری سیاسی خود را حفظ کرد و مخالفین را منزوی نمود. اما در این اختلاف‌نظر نطفه دو جناح جدید بسته شد. آن گروه که در مورد مسائل اقتصادی با حزب‌الله اختلاف‌نظر داشتند و جناحی را تشکیل دادند که بعدها به نام جناح راست معروف شد (جناح راست در آن دوره با نفوذ همه جانبه دستگاه دولت در امور اقتصادی مخالف بود).

آن گروه که در مورد مسائل سیاست بین‌المللی با حزب‌الله اختلاف‌نظر داشت جناحی را پایه گذاشت که بعدها به نام جناح مصلحت‌اندیش یا عمل‌گرا یا پراگماتیست یا میانه معروف شد. جناح میانه در آن دوره بابرخی سیاست‌های



۵۱. چهار جناح جمهوری اسلامی

رادیکال در سطح بین المللی مخالفت می کرد و آن را مغایر مصلحت استراتژی جنگ علیه عراق می دانست. دو جناح راست و میانه از مرکز قدرت اجرائی دولت دور شدند ولی برای مبارزه سیاسی صف آرای می کردند.

۵. صف بندی پنجم یا تحکیم گرایش میانه

در سال ۱۳۶۷ جنگ تحمیلی پایان یافت و استراتژی نظامی-سیاسی ایران (با شعار راه بیت المقدس از کربلا می گذرد) کنار گذاشته شد. در این شرایط جناح موسوم به حزب الله که نیروی عمده موتور استراتژی فوق بود حاکمیت خود را از دست داد. در عوض گرایش موسوم به جناح مصلحت اندیش قدرت گرفت و استراتژی خود را بر دو مبنای بازسازی اقتصادی و مصلحت اندیشی در سیاست خارجی قرار داد. مشخص ترین شخصیت این گرایش علی اکبر هاشمی رفسنجانی بود که در سال ۱۳۶۸ مقام ریاست جمهوری را احراز کرد. در آن هنگام مجلس سوم پایگاه گرایش تندروی حزب الله محسوب می شد ولی با برگزاری انتخابات مجلس چهارم (در فروردین ۱۳۷۱) جناح تندرو به طور عمده از مجلس کنار گذاشته شد و راه برای فعالیت گرایش های آرام تر باز شد. کابینه ترکیبی از اعضای جناح میانه و جناح راست بود که در برابر جناح حزب الله متحد بودند و اختلافات میان خودشان در مرحله دوم قرار می گرفت.

۶. صف بندی ششم یا تحکیم جناح راست xalvat.com

موقعیت گرایش موسوم به جناح راست عمدتاً در مجلس چهارم تحکیم شد. این جناح در انتخابات مجلس چهارم با شعار «حمایت از رهبر و رئیس جمهور» در برابر جناح تندروتر قد علم کرد و با قدرت وارد صحنه



۵۲ جناح‌بندی سیاسی در ایران

مبارزه شد. اما پس از دو سال جناح راست به تدریج خط خود را از جناح میانه تفکیک کرد. مشخصاً جناح راست نگران پیامدهای ناشی از برنامه اقتصادی بود که خود این جناح به همراهی جناح میانه به مرحله اجرا درآورده بود. جناح راست به تدریج در مجلس چهارم اکثریت آراء را همراه خود کرد. در انتخابات مجلس پنجم (۱۳۷۵) جناح راست بار دیگر اکثریت کرسی‌های مجلس را بدست آورد.

xalvat.com

۷. صف‌بندی هفتم یا شکل‌گیری جناح چپ

شکل‌گیری گرایش موسوم به جناح چپ در سال ۱۳۷۳ شکل مشخص به خود گرفت. این جناح اساساً حاصل یک تجدیدنظر در گرایش حزب‌الله باید محسوب شود. تجدید نظری که به تغییرات اساسی انجامید و موجب شکل‌گیری یک جناح اصولاً مشخص و مستقل شد. جناح چپ نخست در بزایر جناح‌های میانه و راست صف‌آرایی کرد ولی به تدریج به جناح میانه نزدیک شد و سپس در انتخابات مجلس پنجم (فروردین ۱۳۷۵) و هفتمین انتخابات ریاست جمهوری (۱۳۷۶) به همراه جناح میانه در برابر جناح راست (و همین‌طور جناح حزب‌الله که در این انتخابات از جناح راست حمایت کرد) موضع گرفت.

۸. صف‌بندی هشتم یا بازگشت جناح لیبرال به صحنه

از اواسط ۱۳۷۴ که مبارزه انتخاباتی برای مجلس پنجم آغاز شد، جناح لیبرال به آهستگی وارد صحنه سیاسی شد. بر اثر فشارهای زیاد از سوی جناح‌های حزب‌الله و راست علیه جناح لیبرال، این گرایش از شرکت مؤثر در انتخابات سر باز زد و مجبور به عقب‌نشینی شد. اما افکار این جناح در



چهار جناح جمهوری اسلامی ۵۳

میان نیروهای تشکیلاتی نظام عمیقاً نفوذ کرد و توان تأثیرگذاری آنان را بالا برد. در این دوره تمامی گروه‌هایی که خواستار حفظ و گسترش آزادی‌های سیاسی بودند تحت عنوان جریان‌های لیبرالی مورد حمله قرار گرفتند. در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۷۶، این جناح اعلام کرد که فعالانه در آن شرکت خواهد کرد.

برای شناخت ماهیت یک جریان یا جناح یا گرایش سیاسی می‌توان به معیارهای زیر رجوع کرد. ما با استفاده از این معیارها به بررسی جناح‌های فعال در جمهوری اسلامی می‌پردازیم و هر یک را مستقلاً و در مقایسه با یکدیگر محک می‌زنیم:

xalvat.com

– تفکر سیاسی

– تاریخچه

– موقعیت اجتماعی و طبقاتی

– رهبران

– موقعیت تشکیلاتی

– شیوه فعالیت

– سیاست داخلی

– سیاست خارجی

– سیاست اقتصادی

جناح حزب‌الله

گفتیم که گرایش حزب‌الله از قدیمی‌ترین گرایش‌ها در نظام جمهوری اسلامی است. از لحاظ فکری، این گرایش تحت تأثیر رادیکالیسم طبقاتی



۵۴ جناح‌بندی سیاسی در ایران

قرار دارد و تفسیرش از مذهب نیز تحت تأثیر این عامل است. عناصر برجسته‌ای که محتوای فکری این جریان را تحت تأثیر قرار داده‌اند عبارت‌اند از ۱) تفسیر طبقاتی از تاریخ اسلام، و به خصوص تاریخ شیعه، در حمایت و پشتیبانی از تنگدستان و ایستادگی در برابر اشراف، ۲) فضای روشنفکری بین‌المللی بعد از جنگ دوم جهانی که مشخصاً تحت تأثیر مبارزه ضد امپریالیستی و ضد طبقاتی قدرت‌های کمونیستی بود. البته باید فوراً توضیح داد که این تأثیر در بعد فلسفی محدود است. یعنی حزب‌الله زیربنای ماتریالیستی و مادی اندیشه سوسیالیستی را مورد انتقاد و حمله قرار می‌دهد. اما آرمان‌خواهی و مساوات‌طلبی آن را می‌پسندد و از استراتژی‌ها و تاکتیک‌های آنان سود می‌برد. شاید اوراق نکرده‌ایم اگر بگوییم که صادقانه مذهب را وسیله اهداف و آرمان‌های اجتماعی می‌شناسد.

xalvat.com

باید توجه کرد که حزب‌الله از یک موضع صرفاً سنتی حرکت نمی‌کند. برعکس، در بسیاری از حوزه‌های مختلف فکری تجدیدنظر طلب و متجدد است. به همین خاطر هم مورد انتقاد و حمله گرایش‌های سنتی داخل نظام اسلامی هم قرار گرفته است. در اینجا شاید بتوان تأثیر دکتر علی شریعتی، ایدئولوگ برجسته انقلاب اسلامی، را به وضوح دید و شاید بتوان گفت که جناح حزب‌الله از جهات اساسی (از جمله رادیکالیسم در روش، مبارزه طبقاتی، مبارزه ضد استبدادی، تجدیدنظر-طلبی در اندیشه مذهبی) به شریعتی نزدیک‌تر است. جریان حزب‌الله، حداقل آن طور که در ارگان‌های رسمی و غیررسمی خود عنوان می‌کند، خواستار موضع‌گیری در برابر اندیشه صرفاً سنتی، چه در سطح خواص و چه در سطح اجتماعی است.



چهار جناح جمهوری اسلامی ۵۵

به تاریخچه جناح حزب الله اشاراتی کردیم. گفتیم که حزب الله در برابر جناح لیبرال شکل گرفت، در برابر جبهه متحد بنی صدر - مجاهدین تحکیم شد. به اضافه این که در جریان جنگ با عراق قدرت را بدست گرفت و سرنوشت خود را با آن گره زد. با قبول آتش بس، که پیامد تقویت عراق توسط اکثر کشورهای قدرتمند جهان در برابر ایران بود، جناح حزب الله مجبور به عقب نشینی شد. در اواسط دهه ۱۳۷۰، جناح حزب الله نخست در برابر جبهه متحد جناح راست و جناح میانه (در سال ۱۳۷۳) و سپس در برابر جبهه متحد جناح میانه و جناح چپ (در سال ۱۳۷۵) فعال بود.

xalvat.com

موتور حرکت حزب الله را طبقه پایین شهری و اقشار پایین طبقه متوسط تغذیه می کند و مخاطبینش هم از همان طبقه اند. حزب الله پیشبرد اهداف سیاسی این بخش های اجتماعی را تفسیر و تعقیب می کند. ولی با محدود شدن پایگاه اجتماعی حزب الله، که به خاطر عدم موفقیت سیاست های اجتماعی آن بوده است، حزب الله پیش از پیش متکی به کادرهای حرفه ای خود شده و پیشبرد آن ها را در دستگاه حکومت می طلبد. این کادرها از تیپ هایی هستند که با انقلاب ۱۳۵۷ وارد دستگاه دولت شدند و برخی مواضع قدرت را به دست گرفتند و از آن پس، و به خصوص به هنگام تقسیم امکانات مملکتی، و به خاطر وفاداری سیاسی مورد توجه استثنایی بوده اند. این جناح در ارگان های انقلابی و رده های سیاسی دیوان سالاری نفوذ دارد.

در امور داخلی، حزب الله شدیداً مخالف برقراری دیالوگ سیاسی بین اقشار مختلف اجتماعی، به خصوص با «روشنفکران» و گرایش های لیبرال است. تعصب در این زمینه به حدی است که نه تنها جناح حزب الله



۵۶ جناح‌بندی سیاسی در ایران

را در برابر نیروهای خارج از نظام قرار داده که موجب درگیری با جناح‌های داخل نظام شده است. حزب‌الله خود را پرچم‌دار سنت انقلابی می‌داند و به شدت مخالف هرگونه سیاستی است که از روش و منش اوائل انقلاب فاصله می‌گیرد. اما نظر به ناتوانی حزب‌الله در برابر تغییرات غیرقابل اجتناب تاریخی، موضع حزب‌الله در برابر این تغییرات تا حدود زیادی صرفاً جنبه فرمالیستی دارد. به همین دلیل در مواردی تغییر محتوا را، اگر شکل تغییر نکرده باشد، می‌پذیرد. اما از سال ۱۳۷۵ تغییرات عمده‌ای در جریان حزب‌الله دیده شد. با سازماندهی نیروهای طرفدار حزب‌الله در چند جریان، از جمله جمعیت دفاع از ارزش‌های انقلاب اسلامی، نوعی تعقل‌گرایی مدرن سیاسی در جریان حزب‌الله بوجود آمد. می‌دانیم حزب‌الله که در اولین صف‌بندی عمده جمهوری اسلامی، علیه جریان لیبرال متولد شد خصلت ضد لیبرالی خود را عمدتاً حفظ کرده است. از نظر این گرایش، آزادی اجتماعی برابر است با آزادی سرمایه‌داران برای استثمار قشرهای زحمتکش و یا حداقل، بی‌بند و باری اخلاقی جامعه. این جناح دولتی را خواستار است که قدرتمند در برابر این آزادی‌ها بایستد و برنامه‌هایی رسیمی، به خصوص در زمینه فرهنگی، برای مبارزه با این آزادی‌ها اجراء کند.

در سیاست خارجی، جناح حزب‌الله مواضع ضداستعماری و ضدامپریالیستی دارد و همانگونه که در سیاست داخلی خود را پرچم‌دار سنت تندرو، انقلابی و فراقانونی می‌داند، در سیاست خارجی نیز خواهان روش‌های تند و انقلابی و آرمانی است. به همین دلیل مدافعان «مصلحت‌گرایی، واقع‌بینی و اندیشه منطقی» را مورد انتقاد قرار می‌دهد و چه بسا که آنها را خائن به آرمان‌های بشری و مذهبی می‌شناسد. در



چهار جناح جمهوری اسلامی ۵۷

دوران اول انقلاب، این گرایش بر فراگیر شدن جهانی انقلاب اسلامی تأکید می‌کرد و شعار «جنگ جنگ تا پیروزی» را در دوران جنگ تحمیلی در همان چارچوب مطرح می‌کرد. این گرایش خواهان مبارزه با اسرائیل و مبارزه با ارتجاع عرب و مبارزه با نفوذ سیاسی غرب به سرکردگی امریکا است. البته این گرایش به خاطر فشارهای سنگین ناشی از وقایع بعد از انقلاب و به خاطر محدودیت امکانات، از جمله محدودیت‌های مالی، در سیاست خارجی خود تجدیدنظرهایی کرده است و آن را در جهت واقعیات و امکانات تطبیق داده است. ولی شاید این ویژگی را باید کوتاه مدت دانست چرا که حزب‌الله، در حوزه اعتقادات، همچنان به سیر و سلوک انقلابی وابسته و وفادار است.

xalvat.com

در حوزه اقتصادی، با این که حزب‌الله ترکیبی بودن اقتصاد را می‌پذیرد، یعنی ضرورت وجود بخش‌های دولتی و خصوصی را تأیید می‌کند، اما تأکیدش بر نقش بخش دولتی است. به عبارت دیگر خواستار آن است که حوزه‌های بیشتری از اقتصاد تحت کنترل دولت قرار بگیرد و دولت سرمایه‌گذار اول باشد. همچنین با نفوذ سرمایه‌گذاری خارجی مخالفت می‌کند و طبق سنت کلاسیک چپ، این نوع سرمایه‌گذاری‌ها را سرچشمه وابستگی اقتصادی و سیاسی و فرهنگی می‌شمارد. حزب‌الله پس از اجرای برنامه‌های خصوصی‌سازی دولت رفستجانی، تا حدودی در برابر این سیاست مانور داد اما اصول آن را پذیرفت. با این حال بعید نیست که در صورت وجود فرصت‌های مناسب سیاسی و اقتصادی، برنامه دولتی‌سازی مجدد را مطرح کند و در صورت امکان به مرحله اجرا درآورد.

در اواسط دهه ۱۳۷۰، نیروهای عمده حزب‌الله در چند سازمان از



۵۸ جناح‌بندی سیاسی در ایران

جمله «جمعیت دفاع از ارزش‌های انقلاب اسلامی» و «انصار حزب‌الله» فعال بودند. نشریات صبح، کیهان و جمهوری اسلامی تا حدودی مبلغ و مروج غیررسمی نقطه نظرهای جناح حزب‌الله محسوب می‌شدند. سیاستمداران متشخصی که از آن دفاع می‌کردند عبارت از آیت‌الله احمد جنتی عضو فقیه شورای نگهبان و یکی از امامان جمعه تهران، حجت‌الاسلام محمد ری شهری (وزیر سابق اطلاعات) بودند. ری شهری در انتخابات ۱۳۷۶ ریاست جمهوری نامزد انتخاباتی شد اما فقط ۲ درصد آرا را بدست آورد که حاکی از کاهش نفوذ این جناح در میان مردم بود. فعالیت این جناح بیشتر در تهران و مشهد گزارش شده است.

جناح میانه xalvat.com

همانطور که در تاریخچه شکل‌بندی جناح‌ها اشاره کردیم گرایش موسوم به «مصلحت‌اندیش» یا «عمل‌گرا» یا «میانه» با افول تدریجی جناح تندروی انقلابی و در اواسط دهه ۱۳۶۰ شکل گرفت و پس از پایان جنگ با عراق و درگذشت بنیان‌گذار جمهوری اسلامی و به قدرت رسیدن هاشمی رفسنجانی تحکیم شد.

در اواسط دهه ۱۳۷۰ (و قبل از انتخاب محمد خاتمی به ریاست جمهوری) که موقعیت این جناح را بررسی می‌کنیم می‌بینیم که دولت مطلوب این گرایش نوعی حکومت مردمی است که پایگاه اجتماعی داشته باشد و در عمل به وسیله کارشناسان فنی و علمای دینی اداره شود. یعنی این گرایش نه معتقد به حقیقت مطلقه نخبگان سیاسی در



چهار جناح جمهوری اسلامی ۵۹

تعیین امور حکومتی است و نه حکومت مطلقه عامه را می‌پذیرد؛ تعبیری را میان این دو می‌آورد. مهم این که، اصولاً و عملاً تغییر و تحول در شکل حکومت را می‌پذیرد و آماده است که شکل حکومت را به بحث بگذارد.

xalvat.com

این جناح، جامعه مذهبی را هم‌پیمان دولت می‌داند و علاقمند است که نهاد مذهبی تحت حاکمیت دولت فعالیت کند. این تفسیر از نقش نهاد مذهبی، در واقع، یک تفسیر سنتی است که عموماً در طول تاریخ معاصر و قدیم در ایران مورد تأیید خود نهاد مذهبی و دولت بوده است. چنین موضع‌گیری نشان می‌دهد که جناح مربوطه، بیش از جناح‌های دیگر، دریاچه شکل‌گیری تاریخی نهاد مذهب آگاهی دارد. به اضافه، برخوردش با مسائل شوریک مذهبی جنبه پراگماتیک دارد و به وجه عملی آن نظر دارد و بیش از هر چیز تأثیر مسائل مذهبی را از نظر حکومتی، و نه صرف مذهبی، ارزیابی می‌کند.

گرایش میانه در روش سیاسی معتدل‌تر است و این اعتدال نسبی شاید عمده خصالت آن محسوب شود. با این که به وجود دولت قدرتمند و متمرکز معتقد است اما در تنظیم و اجرای برنامه، برخورد معتدل و کارشناسانه محافل ذینفع را می‌پذیرد. در حوزه سیاسی، بیش از گرایش‌های دیگر بر روش عقلی تأکید دارد. این تعدیل که در روش سیاسی این جناح دیده می‌شود احتمالاً حاصل تأثیری است که اندیشه «توسعه و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی» بر دستگاه فکری جناح گذاشته است که خود ناشی از نزدیکی این جناح به دستگاه بوروکراسی دولتی و همکاری با کارشناسان فنی است. می‌توان گفت اختلاط فکری این گرایش با نیرومندترین جریان فکری ایرانیان در قرن معاصر، یعنی تجدیدطلبی، بیشتر



xalvat.com

۶۰ جناح‌بندی سیاسی در ایران

است و به نظر می‌رسد یکی از علل قدرتمندی این جناح همین نکته باشد. در سیاست داخلی، جناح میانه مواضع مشخصی دارد. اگر موقعیت این جناح را در نسبت آن با ساختار سیاسی کشور بررسی کنیم می‌توانیم رابطه نزدیک آن را با نهاد بوروکراسی دولتی ببینیم. پایگاه حرفه‌ای جناح میانه در دستگاه‌های دولتی و میان رؤسای این دستگاه‌ها قرار دارد. به همین علت جناح میانه ترکیبی مشخصاً بوروکراتیک دارد و در واقع نماینده تلفیق تدریجی نیروهای انقلابی است که با انقلاب سال ۱۳۵۷ وارد دستگاه‌های دولتی شدند و منصب‌های میانی و عالی‌رتبه را به دست گرفتند و به تدریج بخشی از نیروهای کلاسیک کارگزار دولت شدند. شاید، از نظر مقایسه، تذکر این نکته آموزنده باشد که در سال‌های پس از انقلاب، گرایش‌های دیگر نظام در برخورد و همکاری با نیروهای دولتی مشکلاتی داشتند. از جمله این که جناح حزب‌الله بوروکراسی را نوعی تجلی اجتماعی اندیشه غیرمشروع و غیرمذهبی تجدیدطلب می‌شناخت؛ و این که جناح راست اصولاً نوعی بدبینی ایدئولوژیکی به نفوذ تشکیلات دولت در جامعه داشت؛ و جناح چپ نهاد دولت را کارگزار سیاست‌های محافظه‌کار و دست‌راستی ارزیابی می‌کرد. اما جناح میانه به جهت حضور در تشکیلات دولت، رابطه نزدیکی با نیروهای بوروکراتیک پیدا کرد و بخشی از آنها شد و در واقع یکی از ویژگی‌های خود را به سبب همین رابطه کسب کرد. گرایش میانه بیش از هر چیز دیوان سالار و فن سالار و بوروکراتیک است و به همین دلیل بروش‌های سیاسی، کمتر تأکید داشته است. این یک نقص تاکتیکی برای یک جناح سیاسی محسوب می‌شود و نشان دهنده آن است که جناح آن طور که باید شکل نگرفته است. این کاستی در انتخابات مجلس پنجم مورد توجه کارگزاران قرار گرفت و آنها



چهار جناح جمهوری اسلامی ۶۱

سعی کردند این کاستی را در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۷۵ مورد توجه قرار دهند.

xalvat.com

در حوزه اقتصادی، جناح میانه خود را پرچم‌دار اندیشه توسعه و پیشرفت اقتصادی می‌داند و برنامه‌های پنج ساله عمرانی کشور را چارچوب اساسی اجرای آن می‌شناسد. برنامه اقتصادی جناح میانه بر مبنای کاهش نقش دولت در اقتصاد کشور، تقویت بخش خصوصی (متکی و غیرمتکی به دولت) و افزایش مالیات بوده است. به همین جهت سیاست «تعدیل اقتصادی» و سپس سیاست «تثبیت اقتصادی» را اجرا کرد که در واقع نوعی برداشت از راهنمایی‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ بود و مهم‌ترین جنبه‌های آن تکمیل نرخ ارز، از میان بردن تدریجی سوبسیدها و کوچک کردن دستگاه دولت و افزایش مالیات بود. جناح میانه که در کابینه رفسنجانی، بخصوص در پست‌های اقتصادی نفوذ قابل توجه داشت، با حمایت جناح راست، که بیشتر در مجلس مسلط بود، در اجرای این برنامه اقتصادی خود با مشکلات و مقاومت‌هایی روبرو شد که از سرعت و شدت برنامه کاست. بخصوص در زمینه سبک کردن دستگاه عظیم بوروکراسی نه تنها موفقیت حاصل نشد که بر یار تشکیلات دولت افزوده شد و دولت در زمینه انتقال واحدهای صنعتی به بخش خصوصی ناتوان ماند.

در سیاست خارجی، جناح میانه بیش از جناح‌های دیگر بر واقع‌بینی تأکید می‌کند. این واقع‌بینی به معنی آن است که مبنای روابط بین‌المللی را نه آرمان خواهی صرف می‌داند و نه تصور می‌کند که روابط بین‌المللی را می‌تواند با اخلاق منطقی تنظیم کند. بلکه، شاید، روابط بین‌المللی را بیشتر بر شالوده «قدرت» می‌شناسد و قدرت را معیار شناخت و تنظیم



۶۲ جناح‌بندی سیاسی در ایران

xalvat.com

روابط با کشورهای دیگر می‌داند. البته باید تأکید کنیم که جناح میانه کاملاً واقع‌بین (به معنی تنظیم روابط بر مبنای قدرت) نیست و گاه آرمان خواه‌تر می‌شود و گاه منطقی را روش کار قرار می‌دهد. اما آن ویژگی‌ای که آن را از دیگر جناح‌ها در سیاست خارجی تفکیک می‌کند همین تأکید بر واقع‌بینی بیشتر در تنظیم امور بین‌المللی است. واقع‌بینی جناح میانه آسان به دست نیامده است و ریشه در هشت سال جنگ آرمانی با عراق دارد که استراتژی آن فتح کربلا و گشودن راه قدس بود. در بعد بین‌المللی، این استراتژی بر این نکته تأکید می‌کرد که در جنگ با عراق، «هر که دوست ما نیست دشمن ماست» و «جنگ حق علیه باطل» باید به نبرد می‌مطلو باطل بیانجامد. اما محدودیت‌ها و واقعیت‌هایی که بر این استراتژی آرمانی تحمیل شد رهبران سیاسی و نظامی را به دقت بیشتر در شکل تنظیم امور بین‌المللی واداشت و آنها را واقف کرد که روابط بین‌المللی نه بر پایه آرمان‌خواهی صرف است و نه منطقی صرف، بلکه بیش از هر چیز بر اساس قدرت، تعادل قدرت و تنظیم قدرت بنا شده است. این فکر زمینه‌ای شد برای حرکت واقع‌بینانه در سیاست خارجی کشور که به تدریج نفوذ بیشتری در سطح بین‌المللی کسب کرد، نخست میان کشورهای جهان سوم، سپس میان کشورهای متحد سابق (آلمان، ژاپن، ایتالیا) و سپس دیگر کشورهای اروپایی. برآمد این تغییر تفکر آن شد که روابط ایران با بسیاری از کشورهای همسایه و منطقه و اروپایی مشخصاً بهبود یافت و در اوائل دهه ۱۳۷۰ تا حدردی به انزوای بین‌المللی ایران پایان داد و حتی در اواسط دهه ۱۳۷۰ ایران توانست با پشتیبانی بین‌المللی، بخصوص اروپا، ژاپن و روسیه، در برابر تحریم‌های اقتصادی و سیاسی امریکا مقاومت کند. از نظر پایگاه اجتماعی، گرایش میانه از آن رو که در محتوای فکری و



چهار جناح جمهوری اسلامی ۶۳

در روش‌کاری اصولاً دیوان سالاری است، در میان طبقات وابسته به دیوان سالاری دولتی قرار دارد. طبعاً محافل و اشخاصی که در چارچوب دستگاه دولت مصالح و منافع خصوصی دارند در این جریان نقش چشم‌گیرتری ایفا خواهند کرد. این افراد به خصوص در میان صاحب منصبان دولتی و لشکری و صاحبان امتیازها و مقاطعه‌های دولتی (که طبعاً خواستار تنظیم و تحکیم فعالیت‌های دولتی هستند) به چشم می‌خورد. اما تأکیدگرایش بیانه بر توسعه و ترقی و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی نیز حیطه نفوذ آن را در میان اقشار مختلف، بالاخص طبقات متوسط شهری تحکیم کرده است. اما ضمنی که این جناح در مقایسه با جناح‌های دیگر داشته است: اولاً عدم برقراری روابط محفلی و تشکیلاتی منظم‌تر درونی و ثانیاً ایجاد اجتماعات محدودتری در خارج از دستگاه دولت (به خصوص میان طبقه متوسط) می‌باشد.

در اواسط دهه هفتاد جمعیت «کارگزاران سازندگی» مشخصترین گروه انسجام یافته جناح میانه شناخته می‌شدند. نشریات همشهری و ایران ارگان‌های غیررسمی این جناح بودند. هاشمی رفسنجانی رابطه رسمی با گروه کارگزاران نداشت، اما الهام‌دهنده گروه محسوب می‌شد.

xalvat.com

جناح راست

جناح راست بیشتر از هر چیز دیگر، ریشه در اندیشه سنتی شیعه دارد که تا انقلاب سال ۱۳۵۷ تفکیک میان حوزه سیاسی و مذهبی را عملاً پذیرفته بود و دولت را عملاً غاصب حق امامان معصوم و بالاخص امام



xalvat.com

زمان (عج) می‌دانست. در پی انقلاب اسلامی و رهبری مذهبی جدیدی که دولت را در دست گرفت، موقعیت این بخش سنتی از روحانیت تغییر کرد؛ چرا که نه تنها امکان دست‌یابی به حکومت و قدرت سیاسی برایش مهیا شد بلکه رهبران رادیکال حکومت آن را به چنین اقدامی تشویق می‌کردند. اعضای جناح سنتی روحانیت به تدریج کرسی‌های سیاسی و تشکیلاتی و کشوری را دست‌گرفتند و در چند بخش از نظام اسلامی متمرکز کردند. از جمله این که مسئله مربوط به تبلیغات و امور قضایی را تحت‌نظر خود درآوردند. چنین تحولاتی برداشت آنها را از مفهوم حکومت تغییر داد. قدرت سیاسی دیگر حوزه غصب شده محسوب نمی‌شد و نیازی به انتظار برای ظهور امام زمان (عج) جهت کسب قدرت نبود. اکنون می‌بایست با قدرت سیاسی همکاری کرد و حتی آن را در دست گرفت. از نظر جناح راست، مشروعیت نظام جدید بیش از هر چیز بر مبنای حکم و رأی فقها و علمای دینی به دست می‌آمد.

جناح راست بر حاکمیت علمای دینی بر دستگاه حکومتی تأکید خاص می‌کند و شاید جنبه تفسیر حقوقی از قانون اساسی را بیشتر از جناح‌های دیگر مدنظر قرار می‌دهد. در قبال سیاست داخلی، معتقد به محدود نگاه داشتن آزادی‌های سیاسی در جامعه مدنی است و به باز شدن فضای سیاسی و جریان یافتن مباحث و گفتارهای سیاسی توجه خاص ندارد. گفتارهای سیاسی خود را در چارچوب ضرورت‌های روز و جاری سازمان می‌دهد. از این نظر به روش سیاست پشت پرده معتقد است و سیاست بیرون پرده را تا حد نیاز و ضرورت تأیید می‌کند.

جناح راست، مذهب سنتی را از نظر فکری و رفتاری (هم شخصی و هم اجتماعی) برای مشروعیت بخشیدن به حکومت و نظام (و پیشبرد آن)



چهار جناح جمهوری اسلامی ۶۵

کافی می‌داند و در آن کمتر از دیگران ابداع و خلاقیت و اصلاح را ضروری می‌شناسد. ریشه در فرهنگ سنتی دارد و با جلوه‌های تجدد و تمدن غربی مخالفت می‌کند. ولی این مخالفت در برخی موارد صوری و غیراساسی است. مثلاً در قبال مسائل مربوط به زنان بر جنبه‌های شکل سنتی تأکید و سرسختی فوق‌العاده نشان می‌دهد و در عین حال در محتوا انعطاف‌هایی دارد. جناح راست، به طور کلی محافظه‌کار و خواستار حفظ روابط سنتی اجتماعی است، به خصوص در زمینه‌هایی که منافع خودش در میان باشد. از نظر فرهنگی سنت‌گراست و با جلوه‌های فرهنگ تجدد مخالفت می‌کند. با محافظه‌کاری در این باره فرهنگ سنتی را نیرومندترین زمینه پایگاه اجتماعی خود می‌شناسد و تغییر در آن را از نظر تأثیر اجتماعی و قدرت سیاسی خود خطرناک می‌داند. **xalvat.com**

ریشه فرهنگی جناح راست، آن را در امور اقتصادی به بازار نزدیک می‌کند. طرفدار بخش خصوصی است اما بیشتر به حوزه‌های سنتی مثل تجارت داخلی و توزیع داخلی، یعنی همدستان تاریخی روحانیت در بازار وفادار است. می‌دانیم که حوزه‌های دینی و بازار چند ده سال در برابر دولت پهلوی، متحدین طبیعی بودند و یکدیگر را در برابر قدرت بسیار نیرومندتر دولت تقویت می‌کردند و مصالح و منافع یکدیگر را مدنظر داشتند. بر پایه همین شرایط تاریخی و این اتحاد مصلحتی، جناح راست با دخالت دولت در امور اقتصادی مخالف است و می‌خواهد بخش وسیع‌تری از تشکیلات اقتصادی دولت به بخش خصوصی واگذار شود و حتی امور اقتصادی دولت به وسیله مصالح و منافع بخش خصوصی تعیین و تکلیف شود. این سیاست اقتصادی به تدریج پس از انقلاب تقویت شد و بازار، به خصوص بخش منسجم‌تر و ثروتمندتر آن،



۶۶ جناح بندی سیاسی در ایران

از جمله اتاق بازرگانی از طریق جناح راست در دستگاه بوروکراسی و مجلس و دستگاه قضایی نظام نفوذ کردند. از مهم ترین موضع گیری های اقتصادی جناح راست می توان به موارد اختلاف نظر با دولت میرحسین موسوی نخست وزیر و سپس حمایت - هر چند محدود و مشروط - از سیاست تعدیل هاشمی رفسنجانی اشاره کرد. در ضمن باید مدنظر داشت که جناح راست طبق سنت ایرانی، تقدم قدرت سیاسی را بر قدرت اقتصادی رعایت می کند و نفوذ سیاسی را مقدم بر نفوذ اقتصادی می داند. در زمینه سیاست خارجی، تمایلات جناح راست نیز ریشه در فرهنگ ضداجنبی دارد، دغدغه اش از اجنبی به سبب نگرانی از تحول در فرهنگ سنتی، که ستگر اصلی این جناح محسوب می شود، است. بیم آن دارد که تحول در فرهنگ سنتی موجب سست شدن پایگاه اجتماعی شود. خصیلت محافظه کاری این جناح نیز موجب می شود در رابطه با خارج محتاط باشد. اگر بتواند تأثیر روابط خارجی را در داخل مهار کند شاید خرواهان روابط عادی تر خارجی شود. نزدیکی اش به بازار (که در تجارت بین المللی فعال است) بدون تردید بی تأثیر نیست. از روش متعادل تر این جناح در سیاست بین المللی می توان اشاره کرد به تلاش در اوائل دهه ۱۳۷۰ برای هادی سازی روابط با عربستان و حتی دعوت از ملک فهد برای بازدید از ایران.

xalvat.com

از لحاظ محلی و تشکیلاتی، جناح راست در بخش هایی از حوزه، در جامعه روحانیت مبارز و برخی انجمن های اسلامی و نهادهایی از قبیل اتاق بازرگانی نفوذ دارد و تأثیرش در نهادهای دولتی که درگیر مسائل تجاری هستند قابل توجه است. هیئت های مؤتلفه اسلامی محور تشکیلاتی جناح راست را تشکیل می دهد.



چهار جناح جمهوری اسلامی ۶۷

جناح راست در مجلس سوم اقلیت بود، اما در مجلس چهارم با حداقل ۱۳۰ کرسی معظمن جناح اکثریت محسوب می شد. موقعیتش در مجلس پنجم تا حدودی متزلزل شد و با حدود ۱۰۰ کرسی معظمن همپراز جناح میانه قرار گرفت. روزنامه رسالت بلندگوی رسمی جناح شناخته می شود. بلندپایه ترین شخصیت های این گرایش عبارتند از حجت الاسلام ناطق نوری، اسدالله بادامچیان، مرتضی نبوی، محمد جواد لاریجانی، گروه های «روحانیت مبارز» و «مؤلفه های اسلامی» از شناخته ترین سازمان های حامی جناح راست محسوب می شوند.

xalvat.com

جناح چپ

شکل گیری جناح چپ آخرین تحول قابل توجه در مسیر جناح بندی در اوائل دهه ۷۰ محسوب می شود و در واقع باید این جناح را از بقیه جناح ها جوان تر شمرد. ویژگی جناح چپ که آن را از جناح های دیگر مشخص می کند تأکید این جناح بر ضرورت رعایت قانون اساسی در حفظ حقوق مردم و توسعه آزادی های سیاسی است. این جناح با تأکید بر مفاد قانون اساسی جمهوری اسلامی بر این نظر است که تضمین آزادی های سیاسی و قانونی مهم ترین بستر رشد اجتماعی است و رسیدگی به این مسئله بر دیگر مسائل سیاسی و اجتماعی ارجحیت دارد. این گونه تفسیر از مسائل، هئیتی مشروطه خواه (به معنی مشروط بودن حق حکومت به رعایت قانون) و کثرت گرا (به معنی پذیرش اختلاف نظر سیاسی در حکومت و جامعه) و آزادی خواه (در حد ضرورت رعایت حقوق سیاسی مندرج در



۶۸ جناح‌بندی سیاسی در ایران

xalvat.com

قانون) به این جناح می‌دهد. این صفات مشروطه‌خواهی و کثرت‌گرایی و آزادی‌خواهی در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی و بزرگی جناح چپ است. جناح چپ حکومت اسلامی را منتخب مردم مسلمان و مشروعیت آن را در رعایت قوانین مندرج در قانون اساسی می‌داند. تفسیر جناح چپ از قانون اساسی بر همین مبناست. جناح چپ روش سیاسی را در چارچوب قانون می‌خواهد، یعنی خواهان شکل‌گیری حوزه‌ها و نهادهایی است که در آن‌ها جریان سیاسی کشور رسمیت داشته باشد. به همین جهت از روش‌های خشونت‌بار و توطئه‌آمیز و پشت پرده انتقاد دارد. این چنین مفاهیمی جناح چپ را تا حدودی به جریان اندیشه لیبرال سیاسی نزدیک می‌کند. اما همانطور که خواهیم دید جناح چپ ریشه در حوزه رادیکال و تندروی حزب‌الله دارد و این کوله‌بار تجربی آن را از جناح و محافل معروف به لیبرال کشور تفکیک می‌کند.

از لحاظ استراتژی سیاست داخلی، جناح چپ در سه جبهه خود را درگیر کرده است. اولاً خود را در برابر جناح راست می‌داند و این جناح را به خاطر محافظه‌کاری و «انحصار طلبی» محکوم می‌کند. تلاش جناح چپ در اواسط دهه ۱۳۷۰ بر شکستن قدرت بالقوه جناح راست برای انحصار قدرت سیاسی متمرکز است. ثانیاً خود را در برابر جناح حزب‌الله می‌داند و آن را بخاطر پشتیبانی از جناح راست مورد انتقاد قرار می‌دهد. می‌خواهد به نحوی ائتلاف غیررسمی جناح راست و جناح حزب‌الله را تضعیف کند. ثالثاً خود را متمایز از جناح میانه می‌شناسد ولی چون با این جناح در مورد ضرورت رعایت آزادی‌ها و حقوق مندرج در قانون اساسی نزدیک است از حمله مستقیم به آن پرهیز می‌کند.

این مواضع پس از طی یک دوره نوسانات سیاسی بدست آمده است.



چهار جناح جمهوری اسلامی ۶۹

اگر به اواخر دهه ۱۳۶۰ نگاه کنیم جناح چپی را می بینیم که تا قبل از دومین دور انتخاب هاشمی رفسنجانی به مقام ریاست جمهوری، مواضع دولت ایشان را در امور اقتصادی مورد انتقاد قرار می دهد و این نهایت بر جناح میانه را به اشکال مختلف و مناسبت های گوناگون ادامه می دهد. اما در هنگام تعیین کابینه هاشمی رفسنجانی (تابستان ۷۲) جناح چپ دست به یک مانور سیاسی می زند و در برابر فشارهایی که جناح راست برای تحمیل خود به هاشمی رفسنجانی اعمال می کرد به جناح وی نزدیک می شود. ولی اختلاف نظر چپ با جناح میانه شدیدتر از آن بود که در این پروسه حل شود. جناح چپ در همین حال با جناح حزب الله هم درگیری لفظی داشت و جناح حزب الله، این جناح را به لیبرالیسم سیاسی در امور داخلی متهم می کرد.

xalvat.com

در امور اقتصادی، جناح چپ اصولاً «اتاتیست» یا طرفدار دخالت فعال دولت در امور اقتصادی و پیش برد اقتصاد از طریق دستگاه های دولتی است. به همین دلیل جناح چپ فعالیت خود را در مقابله با سیاست اقتصادی دولت رفسنجانی سازماندهی کرد و به خصوص به تک نرخی کردن ارز و کاهش سوبسیدها اعتراض داشت. در این زمینه، تقاضای میان جناح چپ و جناح حزب الله بیشتر است چرا که هر دو خود را به نحوی پرچمدار عدالت اجتماعی می شناسند و نسبت به این قضیه حساسیت نشان می دهند. اما از آنجا که چپ مبنای استراتژی خود را اصلاح حوزه سیاست داخلی گذاشته است، نزدیکی تاکتیکی با جناح میانه و همکاری غیررسمی با شعار ضرورت رعایت قانون اساسی، برایش اهمیت بیشتری دارد تا نزدیکی تاکتیکی با جناح حزب الله در قبال مسئله عدالت اجتماعی.



۷۰ جناح‌بندی سیاسی در ایران

در مسائل مربوط به سیاست خارجی، جناح چپ طرفدار تندروی و رادیکالیسم و حتی در مواردی انقلابیگری است. این برخلاف روشی است که جناح چپ در قبال امور داخلی اتخاذ کرده و راه میانه‌روی و گفتگوی سیاسی را دنبال می‌کند. جناح چپ، نظام بین‌المللی را امپریالیستی و استعماری ارزیابی می‌کند و آمریکا را دشمن اصلی جمهوری اسلامی می‌شناسد. بهبود روابط با کشورهای امپریالیستی را یک فاجعه محسوب می‌کند و حتی بهبود روابط با کشورهای که روابط حسنه با غرب را دارند یک عقب‌نشینی از مواضع انقلابی می‌داند. به عنوان مثال هنگامی که در سال ۱۳۷۲ شایعه بهبود روابط ایران و عربستان بر سر زبانها افتاد و وزیر خارجه ایران به آنجا سفر کرد و سخن از سفر احتمالی ملک فهد پادشاه عربستان به ایران به میان آمد، جناح چپ شدیداً در برابر آن موضع‌گیری کرد. روزنامه سلام خبر تظاهرات چند ده نفر دانشجویان دانشگاه تهران را به عنوان یک واقعه مهم، با عکس و تفصیلات، در صفحه اول به چاپ رساند.

xalvat.com

مشخص‌ترین ریشه تشکیلاتی جناح چپ، جامعه روحانیون مبارز بوده است. این جامعه در فروردین ۱۳۶۷ از جامعه روحانیت مبارز جدا شد و با این که در تابستان ۱۳۶۸ رسمیت یافت اما فشارهای سیاسی موجب شد که در انتخابات ۱۳۷۱ مجلس، تشکیلات خود را منحل اعلام کند. بر اساس برخی گزارش‌های مطبوعاتی، رهبر انقلاب، آیت‌الله خامنه‌ای، در سال ۱۳۷۲ از این جناح دعوت می‌کند فعالیت خود را از سرگیری کند. گفته می‌شود که برخی گروه‌های اسلامی متناسب به سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران، که از گروه‌های مبارزه‌طلب و تندرو در اوائل انقلاب محسوب می‌شدند، در شکل‌گیری جناح چپ کثرت‌گرا



چهارجناح جمهوری اسلامی ۷۱

نقش داشته‌اند. روزنامه سلام سخنگوی غیررسمی این جناح محسوب می‌شود.

جناح چپ پایگاه اجتماعی خود را در میان طبقات متوسط و متوسط پایین و اقلشار مذهبی حوزه سیاسی و میان کادرهای رده میانی بوروکراسی یافته است. این جناح پس از شکست در انتخابات مجلس چهارم در مواضع خود تجدیدنظر اساسی کرد ولی این تغییر و جابه‌جایی (از مواضع چپ تند کلاسیک به نوصی چپ مشروطه‌خواه) به معنای انتقال پایگاه اجتماعی این جناح نبود. چه بسا که این جابه‌جایی عملاً پایگاه آن را از دستش ربود چرا که مواضع مشروطه‌خواهی کشتی در میان پایگاه قبلی اجتماعی جناح چپ نداشت.

xalvat.com

آیت‌الله خمینی (ره) و موضوع جناح‌بندی

اولین رهبر انقلاب به موضوع جناح‌بندی اشاره داشته‌اند و در پاسخ به سؤالی می‌نویسند: «کتاب‌های فقهای بزرگوار اسلام پر است از اختلاف نظرها و سلیقه‌ها و برداشت‌ها در زمینه‌های مختلف نظامی، فرهنگی و سیاسی و اقتصادی و عبادی، تا آنجا که در مسائلی که ادعای اجماع شده است قول و یا اقوال مخالف وجود دارد و حتی در مسائل اجماعی هم ممکن است قول خلاف پیدا شود، از اختلاف اخباری‌ها و اصولی‌ها بگذریم. از آنجا که در گذشته این اختلاف در محیط درس و بحث و مدرسه محصور بود و فقط در کتاب‌های علمی آن هم عربی ضبط می‌گردید، قهراً نوده‌های مردم از آن بی‌خبر بودند و اگر باخبر



۷۲ - جناح بندی سیاسی در ایران

xalvat.com

می شدند، تعقیب این مسائل برایشان جذبه نداشت. حال آیا می توان تصور نمود که چون فقها با یکدیگر اختلاف نظر داشتند، تعوذ بالله خلاف حق و خلاف دین خدا عمل کرده اند؟ هرگز. اما امروز با کمال خوشحالی به مناسبت انقلاب اسلامی حرف های فقها و صاحب نظران به رادیو و تلویزیون و روزنامه کشیده شده است... و این مسئله روشن است که بین افراد و جناح های موجود وابسته به انقلاب اگر اختلاف نظر هم باشد، صرفاً سیاسی است و لئو این که شکل عقیدتی به آن داده شود، چرا که همه در اصول با هم مشترکند و به همین خاطر است که من آنان را تأیید می نمایم. آنها نسبت به اسلام و قرآن وفادارند و دلشان برای کشور و مردم می سوزد و هر کدام برای رشد اسلام و خدمت به مسلمین طرح و نظری دارند که به عقیده خود موجب رستگاری است. اکثریت قاطع هر دو جریان می خواهند کشورشان مستقل باشد، هر دو می خواهند کارمندان شریف و کارگران و کشاورزان متدین و کسبه صادق بازار و خیابان زندگی پاک و سالمی داشته باشند، هر دو می خواهند دزدی و ارتشاه در دستگاه های دولتی و خصوصی نباشد، هر دو می خواهند ایران اسلامی از نظر اقتصادی به صورتی رشد نماید که بازارهای جهان را از آن خود کند، هر دو می خواهند اوضاع فرهنگی و علمی جهان به گونه ای باشد که دانشجویان و محققان از تمام جهان به سوی مراکز تربیتی و علمی و هنری ایران هجوم آورند. هر دو می خواهند اسلام قدرت بزرگ جهان گردد. پس اختلاف بر سر چیست؟ اختلاف بر سر این است که هر دو عقیده شان است که راه خودشان باعث رسیدن به این همه است. (صحیفه نور، جلد ۲۱، ص ۴۶)



جناح بندی و تحول سیاسی در انتخابات

ریاست جمهوری (۱۳۷۲)

xalvat.com

در مقایسه با انتخاباتی که در دهه ۱۳۶۰ برگزار گردید، ششمین انتخابات ریاست جمهوری در فضایی نسبتاً معقول تر و متعادل تر از گذشته برگزار شد. در این انتخابات جناح های مختلف نظام رقابت محدودی با یکدیگر داشتند و برنامه های اقتصادی و فرهنگی ای که ارائه کردند تا حدودی با هم متفاوت بود. پس از برگزاری انتخابات، جناح راست دست به تعرض سیاسی زد تا سهم بیشتری در تشکیل کابینه داشته باشد. جناح میانه این تعرض را با سکوت برگزار کرد اما جناح چپ دست به تعرض متقابل زد. کابینه اول رفسنجانی که ترکیبی مورد تأیید جناح های راست و چپ بود به نفع جناح راست تعدیل شد. در این بخش ما جزئیات بیشتری از این تحولات را بررسی می کنیم.

انتخابات گذشته ریاست جمهوری. شاید بتوان گفت ششمین انتخابات ریاست جمهوری (۳ خرداد ۱۳۷۲) به لحاظ سیاسی از انتخابات قبلی ریاست جمهوری پخته تر بود. این پختگی را می توان در مقایسه با انتخابات قبلی مشاهده کرد. در انتخابات سال ۱۳۵۸، ابوالحسن بنی صدر در فضایی شدیداً انقلابی به پیروزی رسید. در انتخابات سال ۱۳۶۰ محمدعلی رجایی به دنبال وقایع هیجان زده عزل بنی صدر و آغاز حرکت



۷۴ جناح‌بندی سیاسی در ایران

مسلمحانه نیروهای مخالف علیه نظام به کرسی ریاست جمهوری نشست. در انتخابات مجدد سال ۱۳۶۰ و سپس سال ۱۳۶۴ آیت‌الله خامنه‌ای در فضای جنگ‌زده ایران پیروز شد. در انتخابات سال ۱۳۶۸، هاشمی رفسنجانی در فضای نگران بعد از جنگ و با شعار بازسازی ویرانی جنگ، مقام ریاست جمهوری را بدست آورد. در تمامی این انتخابات، قدرت نظام در مقابله با تشنج شدید سیاسی و برای حفظ ثبات دستگاه و جلب آرای مردم متمرکز شد و برای انتخاب یک کاندید مشخص بکار رفت. در واقع هیچ‌یک از دیگر نامزدهای پست ریاست جمهوری قدرت و موقعیت رقابت با نامزد اصلی را نداشتند و حضور آنها بیشتر جنبه فرمالیستی داشت. به همین علت آرای منتخبین در همه پنج دوره بیش از ۹۰ درصد اعلام شد.

xalvat.com

اما انتخابات سال ۷۲ وضع تسبیحاً معتدلتر و متفاوتی داشت. از یک سو تب سال‌های اول انقلاب فروکش کرده بود. جنگ با عراق به پایان رسیده بود و حتی بازسازی ویرانی‌های جنگ دیگر در صدر دستور کار مملکت نبود. از این جهات، نظام خود را در شرایط تثبیت شده تری می‌دید. اوضاع عادی‌تر از گذشته بود، و دولت و مردم در فکر مسائل روزمره زندگی افتاده بودند. فضای سیاسی کشور و توازن جناح‌های نظام نیز تغییر کرده بود. تجلی این تغییر در صف‌آرایی کاندیدهای انتخاباتی به چشم می‌خورد.

انتخابات سال ۷۲ چهار کاندیدا داشت که تا حدودی نماینده جناح‌های داخل نظام محسوب می‌شدند و به اضافه هر یک تا حدودی در حوزه کاری خودشان رزنه سیاسی محسوب می‌شدند. هاشمی رفسنجانی رهبر بلامنازع سیاسی کشور و مشخص‌ترین عنصر جناح میانه



چهار جناح جمهوری اسلامی ۷۵

محسوب می‌شد. احمد توکلی از فعالان جناح راست، احمد جاسبی از جناح میانه و رجبعلی طاهری از جناح سستی راست (عضو سابق هیئت‌های مؤتلفه اسلامی) بودند. لیکن هیچ یک از آنها را نمی‌توان از نظر شخصیت سیاسی، قدرت تبلیغاتی و نفوذ اجتماعی قابل مقایسه با هاشمی رفسنجانی دانست. اما هر یک از آنها استراتژی اقتصادی - فرهنگی، و تا حدودی سیاسی، متفاوت و مشخص داشتند و بر مبنای آن مبارزه انتخاباتی خود را پیش بردند.

xalvat.com

با این که عدم توازن قوا به معنی پیروزی قطعی هاشمی رفسنجانی بود اما وی ۶۲ درصد از آراء را بدست آورد و احمد توکلی ۳/۲۴ درصد آراء را به خود اختصاص داد. حتی در کردستان آراء توکلی، ظاهراً به خاطر رأی تاکتیکی مردم، بیش از هاشمی رفسنجانی بود. به نظر می‌رسد رأی به توکلی چند معنی داشت: هم به معنی ابراز نارضایتی از برنامه‌های عمومی دولت و هم به معنی گرایش کلی به مواضع محافظه‌کارتر در یک جو اصولاً نگران‌کننده اقتصادی بود. اما نکته چشمگیر این که چنین ترکیب آماری در تاریخچه انتخابات ریاست جمهوری ایران بی‌سابقه بود و این را نشان می‌داد که هم برنامه‌های متفاوت به رأی گذاشته شده بود و هم رأی‌دهندگان در تعیین نامزد خود دقت بیشتری نشان داده بودند.

در انتخابات سال ۱۳۷۲، جناح چپ و جناح حزب‌الله موضع منفعلی اتخاذ کردند. یعنی نتوانستند نامزد انتخاباتی معرفی کنند، و شرکت در انتخابات را نه تأیید و نه تحریم کردند. موقعیت جناح چپ در انتخابات سال ۷۲، ضعیف‌ترین موضع آنها پس از شکست در انتخابات مجلس چهارم (فروردین ۱۳۷۱) محسوب می‌شد. برعکس، جناح راست موقعیت بیش از پیش تحکیم شده‌ای داشت. جناح راست تمام قدرت



۷۶ جناح‌بندی سیاسی در ایران

خود را برای بسیج مردم برای شرکت در انتخابات بکار گرفت و در این چارچوب به مقابله رودررو با جناح چپ برخاست. این در حالیست که رسانه‌ها و بلندگوهای جناح میانه (از رادیو و تلویزیون گرفته تا روزنامه‌های اطلاعات و همشهری) نیروی خود را در تبلیغ کلی ضرورت شرکت در انتخابات و مبارزه با بی‌تفاوتی عمومی گذاشتند. حتی برای این که این نظر تقویت نشود که دستگاه‌های تبلیغاتی کشور به نفع رئیس جمهور تبلیغ می‌کنند تا حدودی آزادی تبلیغ بیشتری به دیگر کاندیداها داده شد. قابل توجه این که رسانه‌های جناح میانه در برابر جناح چپ هیچ گونه واکنش مشخصی نشان ندادند.

xalvat.com

باید ذکر کرد که تأکید ما بر ویژگی‌های فوق نه به این معناست که با اطمینان بگوئیم انتخابات در فضایی کاملاً عادلانه و طبق قوانین اساسی برگزار شد. اما به اعتقاد ما می‌توان این ادعا را کرد که فضای انتخابات سال ۷۲ بطور نسبی از انتخابات قبلی متعادل‌تر و معقول‌تر بود.

حمله جناح راست، یا موفقیت هاشمی رفسنجانی در انتخابات، حمله جناح راست بلافاصله آغاز شد. این جناح نه تنها در مجلس موقعیتی مستحکم داشت بلکه به عنوان پرچمدار انتخابات ریاست جمهوری شناخته شده و اکنون حاصل زحماتش را می‌خواست. حمله جناح راست برای بدست آوردن کرسی در کابینه جدیدی بود که ریاست جمهور می‌بایستی به مجلس معرفی کند. تنها یک روز پس از برگزاری انتخابات، ناطق نوری رئیس مجلس، که از رهبران طراز اول جناح راست محسوب می‌شود، در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد که ترکیب کابینه باید به طبع مجلس آراسته شود. وی گفت: «چند تن از وزراء فعلی دولت... در مجلس زمینه مناسبی ندارند... امیدوارم آقای هاشمی رفسنجانی... به



چهار جناح جمهوری اسلامی ۷۷

گونه‌ای کابینه خود را تنظیم کنند که نیازی به ترمیم وجود نداشته باشد... اما اگر لازم باشد، مجلس شورای اسلامی از قدرت قانونی خود استفاده خواهد کرد». (ایران، ۲۳ خرداد ۱۳۷۲) xalvat.com

روز بعد، ۱۷۵ نماینده مجلس (که جناح راست اکثریت آن را در دست داشت) پیام تبریکی به رئیس‌جمهور فرستادند و در آن خواستار تشکیل کابینه‌ای «مقتدر و متعهدتر» شدند. هر دوی این کلمات در کلام و فرهنگ سیاسی جناح راست مفهوم دقیق داشت. مقتدر و متعهد اشاره به نیروهایی داشت، که به اعتقاد جناح راست، می‌بایست اسلام را با قدرت در تمامی ابعاد اجتماعی پیاده کنند و برنامه‌های کارشناسی و فنی و بوروکراتیک را تحت‌الشعاع مسائل به اصطلاح ایدئولوژیکی قرار دهند. عبارت «مقتدر و متعهد» بدون تردید در برابر ناکید جناح میانه بر ضرورت تشکیل کابینه‌ای کارشناس و متخصص عنوان می‌شد. برنامه جناح راست که توسط مطبوعات وابسته به آن تبلیغ می‌شد در این مرحله چنین بود: (۱) سبک کردن دستگاه دولت با انتقال به بخش خصوصی، (۲) اعمال فرهنگ اسلامی در تمامی ابعاد اجتماعی از طریق جان‌نشین کردن عناصر حزب‌الله در سطح بالای دولت. حمله جناح راست که بخصوص توسط روزنامه رسالت رهبری می‌شد در مجلس نیز عملاً انعکاس داشت.

در مجلس، نمایندگان که حول محور راست، دولت هاشمی رفسنجانی را مورد ارزیابی قرار می‌دادند انتقاداتشان را در مورد ترکیب کابینه متمرکز کردند. حرقشان بطور کلی این بود که برخی از وزراء به خاطر وابستگی جناحی به قدرت رسیده‌اند و گرنه لیاقت و کاردانی کافی ندارند و به همین دلیل در پیشبرد اهداف برنامه پنج ساله عمرانی ناتوان بوده‌اند. به اضافه، برخی از این وزراء تعهدات اسلامی - مذهبی محکم



۷۸ جناح‌بندی سیاسی در ایران

ندارند و در گذشته با نیروهای حزب‌الله ادارات خود همکاری نکرده‌اند. به اضافه، چون یکپارچگی و هماهنگی در کابینه ضروری است و چون به افراد تازه‌نفس احتیاج است بهتر آن که کابینه ترمیم شود. به اضافه از نظر افکار عمومی: جناح چپ در انتخابات مجلس چهارم شکست خورده و مردم خواستار تغییر و تشکیل کابینه بر اساس برنامه مجلس چهارم هستند. روزنامه رسالت در سرمقاله‌ای چارچوب کابینه مطلوب خود را اینگونه مشخص کرد: اولاً به غرب چراغ سبز ندهد، ثانیاً برنامه تعدیل اقتصادی را به عنوان یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر دنبال کند، ثالثاً با تجمل‌گرایی مخالفت و با ریاضت اقتصادی موافقت کند و رابعاً در «توعی دیالوگ» میان مردم و مسئولین شرکت نماید.

xalvat.com

سکوت جناح میانه. رسانه‌هایی که بیشتر نظر جناح میانه را مطرح می‌کردند و به این جناح نزدیک‌تر بودند در قبال توقعات و درخواست‌های جناح راست از خود واکنش مشخص نشان ندادند. این سکوت سیاسی را می‌توان از دو وجه مورد نظر قرار داد. یکی این که این سکوت علامت قدرت جناح حاکم میانه بود و نشانی از عدم ضرورت پاسخگویی به حمله جناح‌های ضعیف‌تر رقیب. جناح میانه، به اعتقاد خودش از موضع بالا با آنها برخورد می‌کرد. دیگر این که این موضع‌گیری حاکی از ماهیت یک جریان بوروکرات و دیوان سالار بود که محتوای برنامه خود را بر مبنای اقتصادی صرف بنیاد گذاشته و از طرح یک برنامه مشخص سیاسی طفره می‌رود و به اضافه، به سیاست پشت پرده و خصوصی و غیررسمی توجه بیشتر دارد.

دفاع جناح چپ. اما در مقابله با جناح راست باید به فعالیت روزنامه سلام، که رسماً خود را پرچمدار جناح چپ معرفی کرده است، اشاره



چهار جناح جمهوری اسلامی ۷۹

کرد. جناح چپ و در رأس آن روزنامه سلام به سرعت متوجه قدرت حمله راست به جناح میانه شد و در مقام دفاع برآمد و به سازماندهی عملیات دفاع پرداخت. این عملیات دو وجه داشت: تبلیغ عمومی و بسیج فکری نمایندگان مجلس. سلام در سرمقاله‌ای گزارش داد که «حدود ۸۰ تا ۱۰۰ نماینده مجلس حمایت بی قید و شرط خود را از رئیس‌جمهور در مقابله با جناح راست اعلام کرده‌اند، اما مسئله اتحاد مابقی نمایندگان برای فشار به دولت و تغییر کابینه نامشخص است». (سلام، ۱۷ تیر

xalvat.com

(۱۳۷۲)

در واقع نگرانی از پیامد تضعیف هاشمی رفسنجانی در برابر جناح راست بود که جناح چپ و منجمله سلام را به یک مانور تاکتیکی واداشت. جناح چپ که تا انتخاب ریاست جمهوری منتقد اصلی دولت رفسنجانی و برنامه تعدیل اقتصادی بود و در طول انتخابات بیشترین مقاومت را در برابر تلاش‌های انتخاباتی او از خود نشان داده بود اکنون با سیاست دفاع از کابینه موردنظر هاشمی وارد معرکه شده بود. روزنامه سلام در انتقاد از جناح رقیب نوشت که مجلس با شعار «حمایت از رفسنجانی» از مردم رأی گرفته بود و ضروری است به خواسته‌های وی گردن نهد. به اضافه تحمیل یک کابینه دست راستی به هاشمی رفسنجانی موجب انزوای بیش از پیش دیگر نیروهای سیاسی و نهایتاً حذف آنها خواهد شد.

این مانور سیاسی جناح چپ، حداقل از نظر خود آنها، معقول به نظر می‌رسید. در حالی که جناح راست از جناح میانه فاصله گرفته بود برای جناح چپ فرصتی پیش آمد که برای تضعیف جناح راست بکوشد و یا حداقل از نفوذ آن در اوضاع حساس تعیین کابینه جلوگیری کند. به نظر



۸۰ جناح‌بندی سیاسی در ایران

می‌رسد که جناح چپ به حداقل مشارکت هم در تعیین کابینه راهبی بود. همین دیدگاه در مجلس نیز مطرح بود و نمایندگان حامی خط هاشمی رفسنجانی، و یا احتمالاً متمایل به جناح چپ، در دفاع از موقعیت هاشمی رفسنجانی مانور دادند. به عنوان نمونه محسن نریمان، نماینده یابل در تعلق قبل از دستور این طور بحث کرد که اگر مجلس تعیین‌کننده وزرا باشد در آینده امکان انتقاد از آنها را نخواهد داشت. وی گفت: «اگر در معرفی هیئت دولت که از اختیارات خاص ریاست جمهور است، فراتر از مشورت، همفکری و هماهنگی پیش‌رویم، به گونه‌ای که شبهه پیش آید که این مجلس است که وزرا را معرفی می‌کند و در فردائی که وزرا اشتباهاتی مرتکب شوند، آیا می‌توان از حربه تذکر، سؤال و استيضاح به آن صورت که امروز اینگونه باز و آزادانه مرسوم شده استفاده کرد».

xalvat.com

(کیهان، ۲۶ خرداد ۱۳۷۲)

تغییر موضع جناح چپ و دفاعش از جناح میانه، موجب آشفتگی رهبران جناح راست شد. سیدمرتضی نبوی، نماینده مردم تهران در مجلس و سردبیر روزنامه رسالت با قرض وقت از یکی دیگر از نمایندگان در سخنرانی قبل از دستور مجلس گفت: «جریاناتی که دیروز چوب لای چرخ دولت می‌گذاشتند، عیبی ندارد امروز کاسه داغ‌تر از آتش بشوند و دو آتش از هاشمی رفسنجانی حمایت کنند، منتهی انصاف را مراعات کنند، دایه مهربان‌تر از مادر نشوند» (رسالت، مرداد ۱۳۷۲)

بدیهی است که مذاکرات پشت درهای بسته و دور از انظار عمومی و خارج از دسترس مخبرین در جریان بود. مجلس چند جلسه خود را بطور غیرعلنی برگزار کرد و قاعده‌تأ مباحث این جلسات پیرامون شیوه انتخاب اعضا کابینه دور می‌زد. مطبوعات برخی شایعات محافل سیاسی



چهار جناح جمهوری اسلامی ۸۱

پایتخت را منتشر کردند. به گزارش برخی روزنامه‌ها نمایندگان وزرا در راهروهای مجلس به نفع کارگزاران سیاسی خود تبلیغ و نظر نمایندگان مجلس را جلب می‌کردند. بحث‌های جناحی در مجلس چنان بالا گرفت که حجت‌الاسلام احمد خمینی برای برقراری نوعی آرامش اقدام کرد و طی سخنانی به «قدرت» ریاست جمهوری در انتخاب کابینه و «مسئولیت» مجلس در دادن رأی و «ضرورت» پرهیز از جنجال اشاره کرد. (روزنامه‌ها، ۴ خرداد ۱۳۷۲). این موضع‌گیری‌ها عملاً در دفاع از موقعیت هاشمی رفسنجانی و تذکر تلویحی به جناح اکثریت مجلس قابل تفسیر است.

xalvat.com

جناح حزب‌الله در این میان روزنامه کیهان نیز با یک موضع‌گیری به اصطلاح صد در صد انقلابی و در انعکاس موضع سیاستمداران حزب‌الله وارد میدان شد. سرمقاله‌نویس کیهان در سلسله مقالاتی «انگیزه‌خدايي»، یعنی ماهیت ایدئولوژیکی را معیار اول حرکت سیاسی قرار داد و آن را عمده معیار تعیین تکلیف مجلس و انتخاب وزرا دانست. وی خواستار انتخاب وزرائی مکتبی، دینی و حزب‌اللهی شد تا بتوانند در برابر عناصر تکنوکرات و لائیک بایستند. در مقایسه با جناح‌های دیگر که هر یک موضع خاص خود را داشتند، سرمقاله‌نویس روزنامه کیهان، به عنوان یکی از بلندگوهای جناح حزب‌الله نوشت: «آیا نمایندگان مردم می‌توانند به وزیر مسلمان و متعهدی رأی بدهند که برخی عناصر تکنوکرات در وزارتخانه‌اش در مناصب کلیدی جولان بدهند و مثلاً مسئول زیر دستش از مبلغان اندیشه ضددینی و لائیک در جامعه شود، فردی که اعتقاد به استفاده از نیروهای توانمند مکتبی و حزب‌الله (به معنی واقعی کلمه) ندارد...». (کیهان، ۳ مرداد ۱۳۷۳)



۸۲ جناح‌بندی سیاسی در ایران

معرفی کابینه کابینه ۳۳ نفره‌ای که زیر نظر هاشمی رفسنجانی کار می‌کرد اصولاً ترکیبی از عناصر «بوروکرات» و «سیاسی» بود ولی جنبه سیاسی آن کمتر بود. هاشمی رفسنجانی ظاهراً موقعیت سیاسی خود را کافی می‌دانست و ترجیح می‌داد کابینه جنبه اجرائی بیشتری داشته باشد. به لحاظ سیاسی، ترکیب کابینه در مقابله با حاکمیت تندرو و مبارزه طلب دوران میرحسین موسوی در اواخر دهه ۱۳۶۰ شکل گرفته بود و مورد تأیید هر دو گرایش میانه و راست بود.

روزنامه سلام در تحلیلی از کابینه جدول زیر را تنظیم کرد که موقعیت هر یک از اعضا را نسبت به جناح راست (۱۰) و جناح چپ (۵۰) می‌سنجد:

xalvat.com

صنایع و معادن: محمدحسین محلوچی ۱۲

ارشاد اسلامی: (دکتر) علی لاریجانی ۱۳

اطلاعات: (حجت‌الاسلام) علی فلاحیان ۱۷

خارج: (دکتر) علی اکبر ولایتی ۱۷

مسکن: سراج‌الدین کازرونی ۱۷

صنایع: محمدرضا نعمت زاده ۱۸

صنایع سنگین: محمد هادی نژاد حسینیان ۱۹

پست و تلگراف و تلفن: محمد غرضی ۲۱

بهداشت: رضا ملک زاده ۲۱

کشاورزی: عیسی کلانتری ۲۱

دفاع: اکبر ترکان ۲۲

دادگستری: (حجت‌الاسلام) اسماعیل شوشتری ۲۲

آموزش و پرورش: محمدعلی نجفی ۲۴



چهار جناح جمهوری اسلامی ۸۴

دارائی و امور اقتصادی: محسن نوربخش ۲۴

جهاد سازندگی: غلامرضا فروزش ۲۵

نفت: غلامرضا آقازاده ۲۷

xalvat.com

تعاون: غلامرضا شافعی ۳۰

کشور: (حجت الاسلام) عبدالله نوری حسین آبادی ۳۲

تیرو: بیژن نامدار زنگنه ۳۳

کار و امور اجتماعی: حسین کمالی ۳۶

بازرگانی: عبدالحسن وهاجی ۳۶

راه و ترابری: محمد سعیدی کیا ۳۹

فرهنگ و آموزش عالی: مصطفی معین ۴۳

(میانگین: ۲۴/۵)

هاشمی رفسنجانی هفت وزیر جدید را پیشنهاد کرد که ظاهراً

خواسته های جناح راست را مورد نظر قرار می داد:

بازرگانی: آل اسحاق

بهداشت: علی رضا مرندی

دفاع: محمد فروزش

راه و ترابری: ترکان

فرهنگ و آموزش عالی: هاشمی گلپایگانی

کشور: علی محمد بشارتی جهرمی

مسکن: عباس احمد آخوندی

مهمترین این تغییرات در وزارت کشور بود. وزیر قبلی، حجت الاسلام

عبدالله نوری حسین آبادی از نظر سیاسی کمتر شناخته شده بود و به

همین خاطر قاعدتاً وزارت کشور می بایستی تحت نظر مستقیم تر رئیس



جمهور بوده باشد. اما وزیر جدید، محمدعلی بشارتی، از نظر سیاسی شناخته شده‌تر و مستقل‌تر و مشخصاً مورد تأیید جناح راست بود.

سراتمام در ۲۵ مرداد جلسه علنی مجلس به کابینه جدید رأی داد. تمامی افراد کابینه به جز یک نفر رأی کافی آوردند. وزیری که در جلب اعتماد مجلس ناتوان ماند محسن نوریخس، وزیر دارایی و امور اقتصادی بود که از طراحان اصلی سیاسی تعدیل دولت رفسنجانی محسوب می‌شد. با این که نوریخس بلافاصله به مقام معاون ریاست جمهوری در امور اقتصادی انتصاب شد، اما ضربه مجلس ابعاد خاص سیاسی خود را داشت. رأی بی‌اعتمادی به نوریخس پیچیدگی سیاسی کشور را به خوبی نشان می‌دهد. اکثریت مجلس، یعنی طرفداران جناح راست، چه از نظر بینشی و چه از نظر عملی، اختلاف اساسی با دولت رفسنجانی در قبال سیاست اقتصادی نداشتند. چه بسا جناح راست خواهان سیاست قوی‌تر در این زمینه بود. اما در این میان، مسئله حساس افکار عمومی بود که از سیاست جاری اقتصادی و مشکلات ناشی از آن، بخصوص گرانی و بیکاری، بشدت آزرده بود. نمایندگان مجلس که از دادن رأی به نوریخس خودداری کردند در واقع می‌خواستند در قبال این مسئله مانور کنند و فاصله‌ای میان خود و سیاست اقتصادی دولت نشان دهند و موضع خود را از مشکلات جاری مبرا بدانند. حتی این امکان وجود دارد که نظر نمایندگان، سقوط نوریخس نبود و صرفاً قصد داشتند نارضایتی خود را از وضع موجود اعلام کنند. اما نتیجه آن شد که نوریخس نتوانست به اندازه کافی رأی بیاورد و در نتیجه پست خود را از دست داد.

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت ششمین ریاست جمهوری و تشکیل کابینه، که از حساس‌ترین تحولات سیاست داخلی در سال ۱۳۷۲



چهار جناح جمهوری اسلامی ۸۵

بود، در شرایط نسبتاً جدیدتری در فضای سیاسی کشور شکل گرفت و به توازن سیاسی جدیدی میان جناح‌های نظام انجامید. در این توازن جدید، جناح‌های راست و میانه از یکدیگر تفکیک شدند و جناح‌های چپ و حزب‌الله موقعیت قبلی خود را از دست دادند.

xalvat.com

جناح‌بندی و تحول سیاسی در هفتمین انتخابات ریاست جمهوری (۱۳۷۶)

هفتمین دور انتخابات ریاست جمهوری که طی آن حجت‌الاسلام محمد خاتمی پیروز شد یکی از کم‌سابقه‌ترین - اگر نگریم بی‌سابقه‌ترین - انتخابات تاریخ ایران بود. اولین باری بود که مشی سیاسی دولت و کشور بر اثر رأی مسألت‌آمیز مردم تغییر کرد. می‌دانیم که تحول مسألت‌آمیز سیاسی در ایران سابقه ضعیفی دارد چراکه تحول سیاسی در ایران عموماً نتیجه اراده دولتمردان حاکم، توطئه خارجی و یا قیام‌های خشن توده‌ها بوده است. البته مواردی هم بوده‌اند که تغییرات مهم از طریق مبارزه انتخاباتی و رأی‌گیری عمومی به وقوع پیوسته است. از جمله در انتخابات دوره ۱۶ و ۱۷ مجلس شورای ملی (۱۳۲۸ تا ۱۳۳۲)، نمایندگان جبهه ملی پس از یک دوره مبارزه نسبتاً آرام انتخاباتی به مجلس راه یافتند و زمینه تحکیم اندیشه دموکراتیک را فراهم کردند که در مرحله بعد به ملی شدن صنعت نفت انجامید. یا رأی‌گیری‌هایی که پس از انقلاب ۱۳۵۷ انجام گرفت نیز فوق‌العاده مهم بودند چرا که به تغییر رژیم حاکم، از سلطنتی به جمهوری، انجامیدند. اما حتی این تحولات مهم اجتماعی



۸۶ جناح‌بندی سیاسی در ایران

دستخوش ناآرامی و خشونت سیاسی شدند. نهضت ملی گرفتار کودتای ۱۳۳۲ شده و تحولات ۱۳۵۷ پیامد یک انقلاب خونین و پیش درآمد جنگ هشت ساله با عراق بودند.

xalvat.com

اما در انتخابات ۲ خرداد ۱۳۷۶، هم زمینه و هم نتیجه سیاسی و اجتماعی رأی‌گیری، مسالمت‌آمیز بود. در این انتخابات مردم برای اولین بار امکان تعیین سرنوشت خود را از طریق رأی‌گیری مسالمت‌آمیز بدست آوردند، و مشی مسالمت‌آمیز و گام به گام را به معنایی «کشف» کردند و با راز و رموز آن آشنا شدند. این ویژگی‌ها در تاریخ ایران بی‌سابقه بودند. پیام این انتخابات، مسالمت‌جویی، گریز از خشونت، تسامح و تساهل سیاسی بود. این انتخابات و تحولات بدون تردید سال‌ها مورد بحث و بررسی گسترده قرار خواهند گرفت. قصد ما اینجا وقایع‌نگاری آنها نیست. بلکه می‌خواهیم به نوصی تحلیل از امور دست پیدا کنیم. آنچه در این نوشتار مورد توجه قرار دارد ربط انتخابات ۲ خرداد با جناح‌بندی داخل حکومت و واکنش مردم نسبت به آن است. یعنی می‌خواهیم بررسی کنیم که اهمیت انتخابات از نظر پدیده جناح‌بندی چه بود؟ آیا جناح‌بندی را تشویق کرد؟ پیامدش بر جناح‌ها چگونه شد و کدام جنبه از جناح‌بندی را تقویت نمود؟

شکل‌گیری مبارزه جناحی — مقایسه

انتخابات ۲ خرداد به نحوی شکل گرفت که دیگر «فردی» نبود و بر اساس موجودیت یک شخص خاص قرار نداشت. در انتخابات قبلی ریاست جمهوری (۱۳۷۲)، مبارزه جناحی تا حدودی وجود داشت که ما به آن اشاره کرده‌ایم. در این انتخابات جناح‌ها حضور و فعالیت داشتند و



چهار جناح جمهوری اسلامی ۸۷

نامزدهای انتخاباتی را پشتیبانی می‌کردند. ولی شرایط آن طور نبود که نامزدها بر اساس وضع جناح‌ها، موجودیت سیاسی داشته باشند و یا این که جناح‌ها تحولات را تحت تأثیر موجودیت خودشان قرار دهند. اما در انتخابات ۲ خرداد وضع تغییر کرد. جناح‌ها متحول و نیرومند شده بودند. نقش آنها در انتخابات مؤثرتر و تعیین‌کننده‌تر بود. دیگر وضعی نبود که نامزد انتخاباتی به تنهایی وضع را مشخص کند. برعکس، جناح بود که بر مبنای ماهیت خویش وضع نامزد را مشخص می‌کرد. نه این که بگوییم نامزد صد در صد تسلیم جناح بود و نه این که بگوییم شخصیت نامزد انتخاباتی دیگر تأثیر نداشت و نه این که بگوییم فرقی نمی‌کرد که چه کسی نامزد انتخاباتی شود.

xalvat.com

ولی مبارزه از یک شخص و از یک نامزد انتخاباتی فراتر رفته بود. مبارزه انتخاباتی تا حدود زیادی بر مبنای هویت سیاسی، موقعیت اجتماعی، توان تشکیلاتی، قدرت مالی و انسجام نظری جناح‌ها شکل گرفت و پیش رفت. در انتخابات قبلی می‌شد موقعیت نامزدها را بر اساس موجودیت شخصی و سیاسی خودشان ارزیابی کرد. ولی در انتخابات ۲ خرداد دیگر این امکان وجود نداشت و برای ارزیابی هر نامزدی باید موقعیت جناحی او نیز مدنظر قرار می‌گرفت.

دیگر این که، در انتخابات سال ۷۲، اختلاف نظرها در مورد مسائل اقتصادی و حتی فرهنگی «تا حدودی» جناحی بود. اما در مورد مسائل سیاسی - یعنی حوزه سیاست داخلی و سیاست خارجی - عقاید خاصی ابراز نمی‌شد که اختلاف نظر در آن مشخص شود. اما این وضع در انتخابات ۲ خرداد تغییر کرد. هر چهار جناح با نامزدهایشان با تزه‌های مشخص سیاسی به میدان آمدند. حتی در مورد خاتمی و جناح میانه



۸۸ جناح‌بندی سیاسی در ایران

مسئله پررنگ‌تر بود. در واقع یکی از مسائلی که جناح خاتمی را از دیگران متمایز کرد همین پررنگی مواضع در سیاست داخلی و در سیاست خارجی بود.

جناح‌ها دو تزا در برابر یکدیگر مطرح کردند. تزا جناح‌های طرفدار خاتمی این بود که اوضاع تغییر پیدا کند و اصلاح شود. تزا رقبای وی، دفاع از وضع موجود و استمرار سنت‌هایی بود که در حوزه سیاسی و اجتماعی جریان داشت. این دو تزا به شکل گسترده‌ای توسط جناح‌ها تبلیغ شدند. ابتکار جناح‌های طرفدار این بود که با یک تزا جدید وارد مبارزه انتخاباتی شوند و جناح‌های رقیب را وادار کنند که به شکل جناحی در برابر آن‌ها عکس‌العمل نشان دهند. در انتخابات سال ۱۳۷۲ اندیشه اصلاح‌طلبی (به معنی ضرورت تغییر اساسی وضع موجود) اصولاً عنوان نشد و مورد قبول نیروهای اصلی داخل نظام قرار نگرفت. جامعه هم این نوع اندیشه را نپذیرفته و هضم نکرده بود. اما در انتخابات ۲ خرداد شرایط داخل نظام و در جامعه به نحوی مهیا شد که به جناح‌ها فرصت دهد که تزا‌های جدیدی عنوان کنند، وضع موجود را به مبارزه طلبند و برای تغییر آن تلاش کنند.

xalvat.com

خلاصه کلام این است: انتخابات ۲ خرداد نشان داد که از سال ۱۳۷۲ تا سال ۱۳۷۶ (یعنی در دور دوم ریاست جمهوری رفسنجانی) تحول مهمی رخ داد که موجب قدرتمند شدن جناح‌ها شد. می‌توان گفت جناح‌ها در انتخابات ۱۳۷۲ شکل جنینی داشتند و در انتخابات سال ۱۳۷۶ با به عرصه عمل گذاشتن آنها در انتخابات ۱۳۷۲، موجودیت کوچک، هر چند قابل شناسائی داشتند. در انتخابات ۱۳۷۶، خود عامل تعیین‌کننده در حوزه سیاسی شدند.



چهار جناح جمهوری اسلامی ۸۹

عنصر پیشرو در داخل نظام

انتخابات ۲ خرداد ثابت کرد که یکی از عمده‌ترین ویژگی‌های سیاسی در این مرحله از تاریخ ایران «جناح‌بندی» بود. به اضافه مشخص کرد که نیروهایی که در تعیین سرنوشت سیاسی مؤثر بودند عمدتاً در «داخل» نظام حضور داشتند و نیروهای خارج از نظام نقش اندک و چه بسا بی‌تأثیری را ایفا می‌کردند. در این شرایط، مبارزه میان نیروهای داخل نظام با نیروهای خارج از نظام موجب تحول نشد. بلکه مبارزه میان خود جناح‌های داخل نظام بود که به تغییر و تحول انجامید. هر چه از مرکز نظام دور می‌شویم می‌بینیم که تأثیرگذاری نیروهای سیاسی کمتر می‌شود. در واقع انتخابات ۲ خرداد بر مبنای برنامه و عمل نیروهای داخل نظام معنای خود را پیدا کرد. نیروهای کمربندی (پیرامونی) رژیم - مثل نهضت آزادی، جنبش مسلمانان مبارز، حزب ملت، چپ سکولار، چپ توده‌ای و غیره (که به شکل غیررسمی و غیرمتشکل تا حدودی در جامعه حضور داشتند) نقش بسیار کوچکتری در پیشبرد انتخابات ایفا کردند.

xalvat.com

البته نمی‌توان گفت این نیروها هیچ نقشی در انتخابات نداشتند. برخی از این نیروها با موضع‌گیری‌هایی که در چند ماه قبل از انتخابات کردند تا حدودی در شکل دادن به جو مؤثر بودند. ولی نقش آنها به هیچ وجه حیاتی و تعیین‌کننده نبود. در اینجا شاید بیش از همه نهضت آزادی نقش بازی کرد. دو ماه قبل از انتخابات چند کاندیدا را نامزد مبارزه کرد که هیچ یک از آنها مورد تأیید شورای نگهبان قرار نگرفتند و نتوانستند در انتخابات شرکت کنند.



۹۰ جناح‌بندی سیاسی در ایران

یک قدم که دورتر از نیروهای پیرامونی برویم و به نیروهای برسیم که برای براندازی نظام فعالیت می‌کردند، مثل مجاهدین خلق و نیروهای سلطنت طلب و چپ خارج از کشور، دیگر به روشنی دیده می‌شود که این گروه‌ها در انتخابات ۲ خرداد هیچ‌گونه نقشی نداشتند و حتی شاید بتوان گفت موقعیت معکوس داشتند. این نیروها فعلاً از مردم دعوت می‌کردند که در انتخابات شرکت نکنند که البته مردم این دعوت را نپذیرفتند و، برعکس، با تمام قدرت در رأی‌گیری شرکت کردند.

xalvat.com

همین قضیه در مورد قدرت‌های خارجی هم صادق بود. از جمله این که آمریکا، علی‌رغم موضع ضدایرانی که داشت، و علی‌رغم قدرت تبلیغاتی که بهره‌مند بود نتوانست کوچکترین تأثیری را در شکل دادن به افکار عمومی بگذارد. دوری قدرت‌های خارجی از تحول ۲ خرداد بخصوص در این نکته واضح است که نظر کارشناسان خارجی، بخصوص در آمریکا و انگلیس (در محافل دیپلماتیک، در محافل مطبوعاتی و در محافل دانشگاهی) بر این بود که ناهل نوری در انتخابات موفق خواهد شد. بر همین اساس بود که آنها برنامه خود را تنظیم کردند و پیش بردند و در نهایت هم از نتیجه انتخابات ۲ خرداد سخت نکان خوردند.

خلاصه کلام این که: پیکان اندیشه و حرکت سیاسی در «داخل» خود نظام بود. جناح‌های داخل حکومت پرچمدار تحول سیاسی بودند. نیروهایی که در پیرامون نظام فعالیت داشتند و به اصطلاح مخالفین وفادار محسوب می‌شدند قادر به تأثیرگذاری قابل توجهی در این تحول عظیم تاریخی نشدند.



چهار جناح جمهوری اسلامی ۹۱

ائتلاف جناحی

xalvat.com

در انتخابات ۲ خرداد، شکل مبارزه «ائتلافی» بود. از یک سو جناح چپ و جناح میانه صف بندی کردند و از سوی دیگر جناح راست و جناح تندرو متحد شدند. این ائتلاف ها جنبه رسمی نداشتند، یعنی حاصل مذاکره و برنامه ریزی مشخص رهبران جناح ها نبودند، بلکه بطور خودجوش به وجود آمدند. به عبارت دیگر، نیروهای پراکنده سیاسی که صفوف جناح ها را تشکیل می دادند به شکل طبیعی و عکس العملی به یکدیگر نزدیک شدند و بنای همکاری را گذاشتند. میزان وحدت تشکیلاتی در میان نیروهای طرفدار خاتمی بیشتر بود چرا که با یک تز مشخص وارد میدان شدند. آنها به عنوان یک جریان متعرض به وضع موجود، ابتکار عمل را در دست گرفتند و امکان تحول مسالمت آمیز را مطرح کردند.

ائتلاف میان نیروهای راست و تندرو شکننده تر بود، چرا که وحدت عملی آنها تا حدودی به خاطر صف بندی در برابر جناح طرفدار خاتمی بود. به اضافه آنها انتظار نداشتند که این مرحله از بازی قدرت به نوعی اجرا شود که معادلات سیاسی کشور را به میزان قابل توجهی تغییر بدهد و قاعده بازی جدیدی را حاکم کند. شاید اگر جناح های رقیب خاتمی می دانستند که پیامد انتخاب خاتمی چه تغییرات مهمی را می تواند در برداشته باشد، همکاری و تلاش بیشتری با یکدیگر می کردند.

در مقایسه با ائتلاف هایی که طی دهه قبل انجام گرفته بود انسجام ائتلاف های این دوره بیشتر بود. یکی از نیروهای طرفدار خاتمی جناح میانه و مشخصاً گروه کارگزاران سازندگی بود (که هنوز شکل رسمی و گسترده ای نداشت). این جناح در اوائل مبارزه انتخاباتی به دلیل عدم



۹۲ جناح‌بندی سیاسی در ایران

انسجام فکری درون تشکیلاتی ابتکار عمل سیاسی خود را تا حدودی از دست داد. اولین و مهلک‌ترین ناتوانیشان این بود که نتوانستند نامزد انتخاباتی معرفی کنند. این ضعف ابتکار عمل را بدست جناح چپ داد. جناح چپ، نخست با پیشنهاد نامزدی میرحسین موسوی و سپس نامزدی محمد خاتمی وارد صحنه شد. از آن پس، ابتکار عمل به دست جناح چپ بود که روابط جبهه ائتلافی طرفدار خاتمی را تنظیم کند. میزان نفوذ چپ، و مشخصاً سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران، به حدی رسید که وقتی از بهزاد نبوی، یکی از سران سازمان، پرسیده شد که آیا حلاقمند است که در کابینه پست داشته باشد، جواب داد پیشبرد امور تشکیلاتی برای خاتمی، در خارج از کابینه، از داشتن پست در کابینه مهم‌تر است.

xalvat.com

پایگاه

نکته دیگری که در انتخابات مشخص شد تغییر موقعیت اجتماعی جناح‌ها بود. یعنی رابطه جناح‌ها با پایگاه اجتماعی‌شان در قبل و بعد از انتخابات فرق داشت. قبل از انتخابات، تصور عمومی این بود که جناح میانه پایگاه در طبقه متوسط، جناح راست در طبقه سنتی، جناح حزب‌الله در طبقات کم‌درآمد و جناح چپ در میان روشنفکران دارد. اما این تصویر که از ترکیب طبقاتی و رابطه این طبقات با جناح‌های سیاسی وجود داشت در انتخابات به هم خورد.

اولاً، جناح حزب‌الله پایگاه اجتماعی خود را عملاً از دست داد و توانست طبقات کم‌درآمد را، که موتور تفکر حزب‌اللهی و رادیکال محسوب می‌شدند بسیج کند. رأی اندکی که نامزد جناح تندرو بدست آورد (دو درصد از آرا) عامل تحیر ناظران شد و ضربه سختی بر موقعیت



چهار جناح جمهوری اسلامی ۹۴

جناح حزب الله فرود آورد. ثابت کرد که این جناح دیگر در صحنه افکار عمومی وزنه قابل توجهی نیست.

xalvat.com

ثانیاً، در طول انتخابات جناح چپ از یک دوره جنینی گذشت و به بلوغ اجتماعی رسید. یعنی، از مرحله‌ای که اصولاً یک جریان سیاسی - روشنفکری بود گذشت و به یک جریان سیاسی - اجتماعی تبدیل شد که می‌توانست بر رأی وسیعی از مردم تکیه کند. دوره جنینی جناح چپ این خطر را به همراه داشت که نتواند از پوسته محدود روشنفکری خود خارج و تبدیل به یک پدیده اجتماعی شود. انتخابات ریاست جمهوری امکان این تغییر و تبدیل را فراهم کرد.

ثالثاً، انتخابات شکست سنگین جناح راست را به همراه داشت ولی در عین حال نشان داد که جناح راست برخلاف جناح تندرو، هنوز یک پایگاه نیرومند اجتماعی دارد و هنوز می‌تواند حدود یک سوم آرا را بسیج کند. هر دو جنبه این پیام مهم بود و می‌بایستی مورد نظر قرار می‌گرفت. ولی آن طور که بعدها دیده شده جنبه دوم این پیام، هم در نظر رقبا و هم در نظر خود جناح راست کم‌اهمیت تلقی شد.

رابعاً، جناح میانه با نزدیک شدن به جناح چپ حیات تازه‌ای برای خود خرید. در دوره ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی، جناح میانه در نوعی معامله پراگماتیک سیاسی با جناح راست بود. یعنی، در عین حالی که فاصله میان دو جریان وجود داشت اما در زمینه‌های متعددی همکاری می‌شد. خط‌بندی کلی این بود که امور و پست‌های اقتصادی در دست جناح میانه بود و امور و پست‌های سیاسی (وزارت کشور، ارشاد و خارجه) در دست جناح راست بود. هاشمی رفسنجانی نظارت بر امور را بر عهده داشت. این موقعیت، جناح میانه را تا حدودی تضعیف کرده بود.



۹۴ جناح‌بندی سیاسی در ایران

در انتخابات ۲ خرداد، این رابطه بهم خورد. جناح میانه به جناح چپ نزدیک شد و توانست در شرایط جدیدی که بوجود آمد، رأی مردم را مجدداً به خود جلب کند.

برای نتیجه‌گیری می‌توان گفت که انتخابات ۲ خرداد، موجودیت جناح‌بندی را داخل نظام حاکم تحکیم کرد. اگر تا آن هنگام وجود جناح‌ها به شکل غیررسمی پذیرفته می‌شد، پس از انتخابات وجودشان رسمی‌تر و مقبول‌تر شد. این تحول پیامد تشدید اختلاف نظر میان جناح‌ها در مورد مسئله انتخابات از یک سو، و تشدید میزان فعالیت جناح‌ها در طول انتخابات از سوی دیگر بود. به عبارت دیگر، مبارزات انتخاباتی، جناح‌بندی را تشویق و تقویت کرد. به اضافه چون جناح‌ها بشدت با یکدیگر رقابت کردند موجودیت هر یک از آنها در نظر وابستگانشان و در انظار عمومی روشن‌تر و شفاف‌تر شد. اعلام مواضع کاندیدها در قبال مسائل گوناگون اجتماعی - از مسئله‌گرانی و نورم گرفته تا سیاست خارجی و ایدئولوژی مذهبی - نوعی هماهنگی فکری در داخل جناح‌ها ایجاد کرد که تا قبل از آن وجود نداشت و اگر هم در مواردی وجود داشت منظم، شفاف و گسترده نبود. این شفاف شدن افکار و مواضع سیاسی یکی دیگر از پیامدهای فوری مبارزه جناحی در انتخابات بود.

xalvat.com

تابلوی توصیفی جناح‌ها

جناح	ماه‌های مجوردهی	موضوعیت	ازگان رسمی و غیررسمی	بخش‌ها از شخصیت‌ها	سیاست داخلی	سیاست خارجی	پرتابه اقتصادی	پایگاه اجتماعی	در مجلس چهارم و پنجم (تختین)
هیئت	مصلحت‌طلب راست مدون	کارگزاران سازندگی	اصلاحات، شهری	غلامحسین کوسجی، عبدالله نوری، حسن روحانی، عطاءالله‌هاجرانی	اصلاح طلب	میانرو	آزادسازی یا تأکید بر نقش دولت	طبقه متوسط و بوروکرات	حدود ۳۰ و ۱۰۰ کرسی
راست	محافظة کار، راست‌سنجی	روحانیت‌سازها، هیئت‌های مؤلفه، تشکلهای مسو	رسالت	ناطق قوری، محمد جواد لازیمی، موفق‌نوی	محافظة کار، سنجی	محافظة کار	آزادسازی یا تأکید بر نقش بخش خصوصی	طبقه متوسط سنجی و بازار	حدود ۱۵۰ و ۱۳۰ کرسی
چپ	چپ سنجی	مجاهدین انقلاب اسلامی، روحانیون مبارز (یکه، جناح)	ملها، عصوما	حجت‌الاسلام خوین‌ها، علیم عیدی، بهزاد نبوی	اصلاح طلب	تندرو	تأکید بر نقش دولت	طبقه متوسط و پایین متوسط	حدود ۶۵ و ۱۵ کرسی
حزب‌الله	تندرو، انقلابی، چپ نو	انصارحزب‌الله، جهت دفاع از ارزشها	صبح، کیهان، جمهوری اسلامی	آیت‌الله جنتی، محمد ری شهری	محافظة کار	تندرو و انقلابی	تأکید بر نقش دولت	پایین متوسط و پایین	حدود ۱۵ و ۱۵ کرسی
ملی	لیبرال ملیون، ملی‌گرا	نهفت آزادی	ایران نو	ابراهیم یزدی، عزت‌الله سبحانی	اصلاح قانون اماسی	اصلاح طلب		طبقه متوسط بوروکرات و بخش خصوصی	---